



سال دوم - شماره ۶۹ پنجمین شماره اردیبهشت ۱۳۵۸

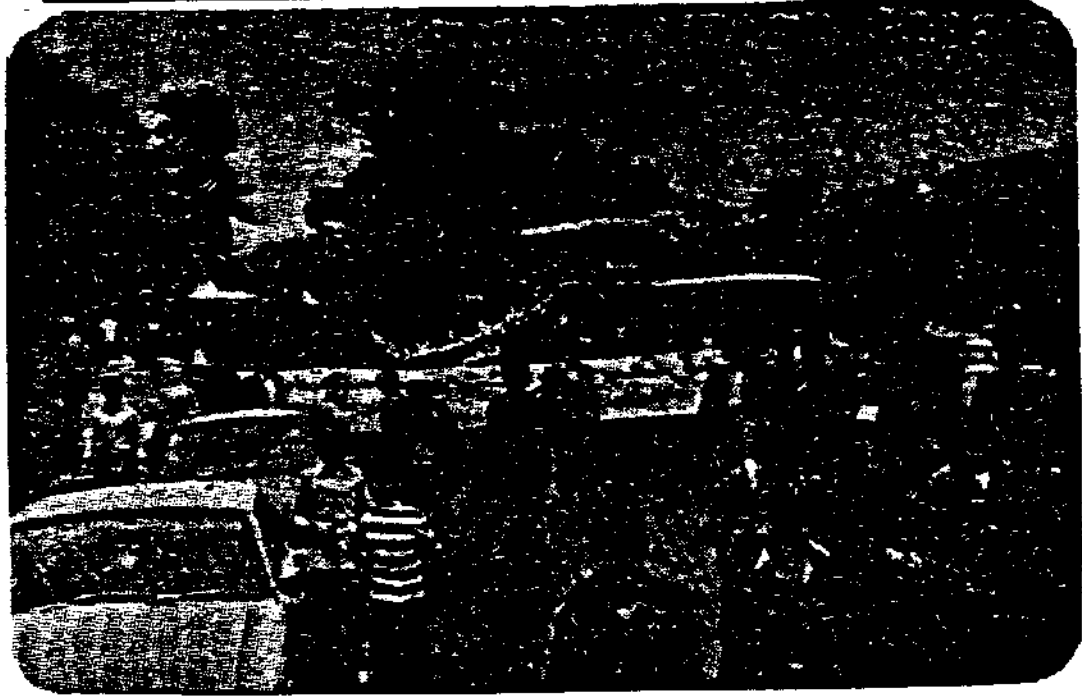
**با ارائه جنبندی مبارزات
یکساله مدرسه‌های درسه‌های
یکسال مبارزه خونین‌مان را
آموزش دهیم!**

**مراسم جشن
پایان تحصیلی
را در مدارس برپای داریم**
صفحه ۱۱

انقلاب بورژوا - دموکراتیک طراز نوین
(۲)
صفحه ۷

دولت سرمایه‌داری
**کارگران
وسرمایه‌داران
دراول ماه‌ها امسال**
روز اول ماه مه فرار نیست
و کارگران سراسر جهان در این
روز یکبار دیگر خا طره بیکار
دلاورانه کارگران شکست
و سایر شهرهای آمریکا
را در بر سر سلطه سرمایه
داران و سرکوب و کشتن
بی‌امان آنان با برپا نشی
نظا هرات ، می‌بینند و ...
گرمی داشتند .
لنین رهبر کبیر
پرولتاریا در باره
بقیه در طبقه ۲

بن بست بازگشتی دانشگاه‌ها و چرخش ضد انقلابی حزبها
صفحه ۵



**اوج نوین جنبش توده‌ای و
کشتارهای وحشیانه
وزیم حاکم**
صفحه ۱۳

“مراسم پایان سال تحصیلی را در مدارس برپا کنیم”

بقیه از صفحه ۱

اهمیت این روز میگوید: "رفقای کارگر! جشن عظیم تمامی کارگران جهان نزدیک میشود. آنها بیدارباشان را نسبت به روشنائی و آگاهی اجتماعیشان را در یک اتحاد برابری برای مبارزه علیه هرگونه ظلم و ستم، علیه هرگونه استبداد و علیه هرگونه استعمار برای یک نظم سوسیالیستی در جامعه، در اول ماه مه جشن میگیرند" (لنین - اعلامیه حزب کارگری سوسیالیست کمترت روسیه - اول ماه مه ۱۹۰۵ - تا کمد از ماست)

بهمن خا طرست که نزدیک شدن ایمن عبدخونین کارگران، وحشت و هراس را به جان سرما به داران و همه دشمنان پرولتاریای جهانی میاندازد.

بهمن خا طراحت که آنان را بدست و پامی اندازد که با هزارویک فریب و حیله این روز را از مضمون انقلابی - طبقاتی آن تهی ساخته و به جشنی بی محتوا تبدیل کرده و شادمانی خود را فراهم سازند.

بهمن خا طرست که آنان را وامیدارد که ابزارهای سرکوب خود را از چندین هفته و روز قبل روغنکاری کنند و پست و پراغ کارگران بفرستند.

بدینگونه است که اعمال نیز همانند همه سالیان گذشته در بسیاری از کشورها پرولتاریای جهانی و نمایندگان واقعی آنان کمونیستها به خاک و خون غلطیدند و در بسیاری از کشورها بورژوازی حاکم این روز را از مضمون انقلابی - طبقاتی آن تهی ساختند. اینان وحشت از اتحاد همه کارگران جهان دارند. اینان هراس از برخاستن موج عظیم پرولتاریای دربند دارند. اینان ترس از سرنگونی حاکمیت خود و برپایی حکومت کارگران دارند. آری اینان ترس از اول ماه مه عبدخونین کارگران جهانی و هشتم طبقاتی آنان دارند.

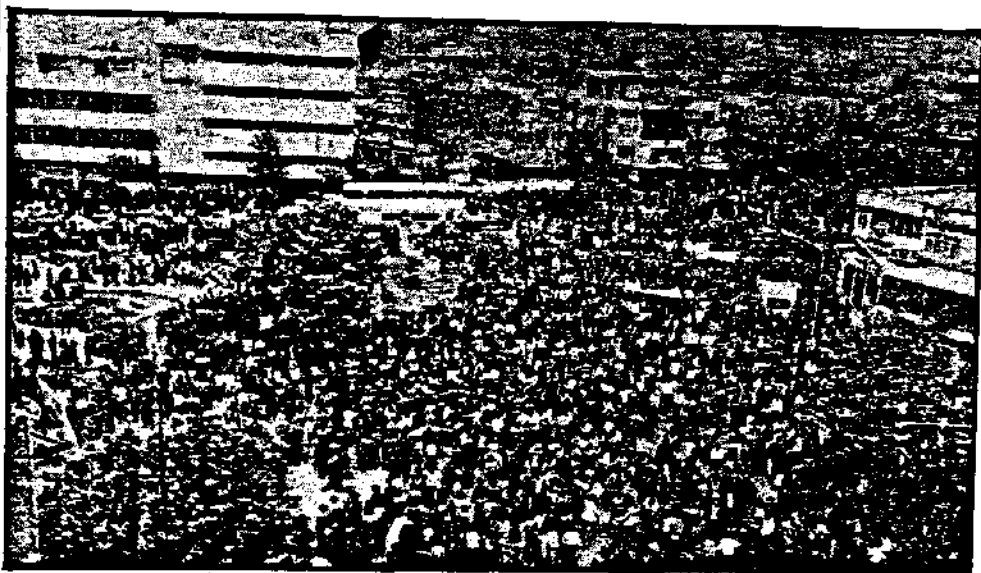
در چنین شرایطی بود که ما امسال به استقبال اول ماه مه میرفتیم.

اول ماه مه امسال و

بخورد رژیم به آن

رژیم حاکم که در اولین سال بعد از رسیدن به قدرت، دشمنی خود را با اول ماه مه آشکارا ساخته و سعی میداشت که روز کارگر را به روزی دیگر اندازد و چنانچه

گوشه ای از تجمع انقلابیون و توده های آگاه برای گرامی داشت روز اول ماه مه و تدارک فد انقلابی و همه جانبه رژیم برای جلوگیری از اجرای آن. رژیم علاوه بر بسیج اوباشان و قداره بندان خود همانطور که فلش نشان میدهد شیربازهای سپاه را بر بام ساختمانهای اطراف مستقر کرده بود.



"روز مبارزه علیه هرگونه ظلم و ستم، علیه هرگونه استبداد و هرگونه استعمار" باشد امسال با جو مغربینی های رژیم حاکم برای آنست که از کارگران ایران که نسبت به او همچنان در توهم پسر خیسرند روز تحکیم و تثبیت ظلم و ستم و استبداد و استعمار بوده است.

رژیم حاکم در این روز کارگران متوهم را به پشتیبانی از خود بعد از راهبیمایی در خیابانهای تهران و شهرستانها به نماز جمعه فراخواند و با ظواهر دروغین دفاع از حقوقشان، آنان را مورد تحمیل قرارداد و چنین بخش و سیمانی کارگران را از میان خواستهای اساسی خود در این روز محروم ساخت و در جهت رسیدن به اهداف و منافع خویش آنان را آماده ساخت.

خمینی در این روز کارگران را "شئون فقرات استقلال کشور" خوانده و از آنان خواست که "برای خودکفایی کشور با جان و دل و کار طاقت فرسا به خدمت کشور اشتغال بدارند. (به نقل از پیام خمینی بمناسبت روز کارگر) و روحانی گفت: "... در مقابل تلاشی که این طبقه

تفرقه و جدایی بین پرولتاریای ایران و پرولتاریای جهانی را فراهم سازد ما با مقاومت و ایستادگی دلاورانه کارگران ایران مجبور به عقب نشینی شد، امسال همانند سالهای گذشته خود را به دروغ "حامی کارگران و زحمتکشان جازده و بر گزاری جشن اول ماه مه را به "مهسده" گرفت. او از یک طرف خود را مدافع منافع کارگران نامیده اما از سوی دیگر با صدور بیانیته "ده ماده ای" دادستانی که "هرگونه اعتصاب و کمکاری... را برای کارگران ممنوع میسازد. آنان را از ابزار مبارزه طبقاتیشان خلع سلاح میساخت. آری رژیم حاکم که در ۲۷ ماه حاکمیت خود دشمنی آشکار خود را با طبقه کارگر، با سرکوب و کشتار آنان در دوره و اندیشک و... بنمایش گذاشت امسال در برپایی جشن اول ماه مه "پیشقدم" شد تا بتواند با جو مغربینی کارگران را بزرگ سلطه خود گیرد و همچنان به "ظلم و ستم و استعمار" خود ادامه دهد. نگاهی به مراسم و بیانیته های "مردان" جمهوری اسلامی این "تبت" خائسانه آنان را بر ملا می سازد.

اول ماه مه که بقول لنین میبایستی

رویز یونیستها:

دایه مهربانتر از مادر

رویز یونیستهای توده‌ای و اکثریتی در این روزها برپایی نظام‌سرات و میتینگ و صدور قطعنامه‌ها دقیقاً وظایف نوگرما یا نه خود را درستی انجام داده و بی‌شادمانی آریایان خود را فراهم ساخته.

رویز یونیستهای اکثریتی در کار شماره ۱۵۷ در مقاله "طبقه‌کارگران ایران، ستون انقلاب" می‌گویند: "امروز دیگر سرکسی پوشیده نیست که طبقه‌کارگر، ستون و نیروی وی اصلی انقلاب بوده است... پس از پیروزی انقلاب نیز... همان نقش را در جریان تعمیق و گسترش انقلاب برعهده گرفت... (چه) صداکارها و حماً سه‌جای غرور آفرینی که... در جنگ تجاوزکارانه رژیم جنایتکار صدام آفریدند... امروز طبقه‌کارگر... با بازسازی و راه‌اندازی مجدد کارخانه‌های آسیب‌دیده بسیاری تداوم تولید و افزایش بازدهی کار می‌رزد... ۲ تاکیدات از ماست

و رویز یونیستهای توده‌ای در قطعنامه‌ای که بنام انجمن همبستگی ما می‌بکنند ابتدا بعد از درود و شناسه "رهبر کیسیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی" می‌گویند: "... بیجان می‌بندیم که تحت رهبری های خردمندانه خدا می‌پریا لیمتسنسی امامان برای ایجاد برای مستقل آزاد و آبادی کارکنیم... بیجان می‌بندیم به از هیچ نوع فداکاری دریغ، نورزیم و با ادا شرکت در خط مقدم جبهه و افزاین تولید و وظیفه... خود را بنحوا حسن انجام دهیم." (مردم شنبه ۱۲ اردیبهشت شماره ۵۱ ص ۲ - تاکیدات از ماست) گفته‌های رویز یونیستهای اکثریتی و توده‌ای را با صحبت‌های سران خنایستکار جمهوری اسلامی مقایسه کنید. هیچ توفیری با هم ندارند که هیچ، علاوه بر آن "دایه مهربانتر از مادر" هم‌تند و کارگر-ان را به "راه‌اندازی و بازسازی مجدد کارخانه‌های آسیب‌خورده" و "ادامه شرکت در خط مقدم جبهه و افزایش تولید"

از انجام میدهند.

اما این یگروی سکه حرکت رژیم در جهت تحکیم "ظلم و ستم و استثمار" بوده است. روی دیگر سکه، آزاد گذاشتن رویز یونیست - های خائن توده‌ای و اکثریتی برای برگزاری مراسم اول ماه مه می‌باشد. این دشمنان طبقه‌کارگر که در لیسانس مارکسیسم سعی دارند از درون جنبش کارگری را به فساد بکنند و به زاننده بورژوازی میدل سازند، این دشمنیسه بدستان مطیع سرمایه‌داران که مترصد فرصتی هستند که جنبش کارگری را از درون و از پشت حمله کرده و آنرا به چند شقه تموده



تا منافع بخطر افنداده آریایان خود را "نجات" دهند! سال "ما کسب اجازه" از رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بختی، از وظیفه بورژوازی حاکم را در منحرف ساختن ذهنیت کارگران از شعارهای انقلاب بی - طیفانی خود در اس روزها سعه‌ده گرفتند.

بورژوازی حاکم با اجازه دادن به آنان در سربایی مراسم اول ماه مه از یک سو خود را مدافع آزادی اجتماعات حتمی اجتماع با ملاحظ "مارکسیستها" جا سزده و از سوی دیگر به هدن اصلی و اساسی خود یعنی به زیر و بال کشیدن کارگران به وسیله شوکران و چاکران حلقه بگوش خود می‌رسید.

زحمتکش انجام میدهند... و هما نظوری که آنجا کمک میکنند به مملکت در رابطه با تولید بیشتر که ما را به خودکفایی میرساند. (به نقل از پیام رجایی بنام سبست روز کارگر) و مهدوی کنی وزیر کشاور در سخنرانی نماز جمعه همین روز گفت: "این وظیفه کارگران و دیگر اقشار ملت است که با کار بیشتر جبهه داخلی را تقویت کنند."

و بعد رژیم حاکم از زبان کارگران در قطعنامه‌ای که در این روز ما در می‌کنند چنین می‌گوید: "ما کارگران وظیفه خود میدانیم که... تمامی تلاش و کوشش خویش را در تولید هر چه بیشتر کار برده... ما... به خودکفایی (برسیم) و "هما نگوی- نه که اکنون بفرمان امام با کار و تلاش خویش به تقویت پشت جبهه... مسئول هستیم قول میدهم به هر زمان که امام فرمان دهد دست از کار کشیده و به همسراه سیهان اسلام بسوی جبهه‌های جنگ روانه شویم." (همه جا تاکید از ماست) بنا بر این می‌سنیم چگونه رژیم که دشمن تا مرفق بخون کارگران و رحمت - گشان و خلقهای کبیر ایران آغشته است در این روزها عوام فریبی "نجات" خائنان خود را بر آورده ساخته و بعد از تهی ساختن این روزها از مضمون انقلابی - طبقانی اش از همه کارگران میخواهد که ما "کار طاقت فرسا" به "تولید بیشتر" برای "رسیدن به خودکفایی" بگوشند و یا اینکه روانه جنگ ارتجاعی ایران و عراق شده و گوشه دست توپ بورژوازی دو کشور فرار گیرند... "سران بدست خون آلوده" جمهوری اسلامی از کارگران میخواهد چرخهای زنگ خورده سیستم سرمایه‌داری وابسته را با "سلاش و کوشش بیشتر" به حرکت در آورده و با "تولید بیشتر" جیب سرمایه‌داران را

از ارزش اضافی حاصله بپر کنند. در شرایطی که فقر و گران، فلاکت عمومی در جامعه پیدا میکنند مدعیان سرمایه‌داران، کارگران را "بکار و کوشش بیشتر" فرا میخوانند و چنین بختی از وظایف خود را در تعمیق هر چه بیشتر کارگر-ان و میدل ساختن آنان به زاننده بورژوا-

نبرد خونین خلق می‌دهد! این پیام رهبری کارگر ضرورت پیروزی هر قیام

شنبه ۱۵ اردیبهشت قبل از آغاز حرکت با یورش فداکارانه زندان و پاداران سوما به - آتش طوکیری می کند و در روز ۱۱ ارد - بهشت (اول ماه مه) تمام قسماوی اسطامی و... خود را در میدان جمهوری محل برگزاری تظاهرات کمونیستها در تهران جمع میکند. در این روز ارتش سپاه پاداران، جماداران و قسداره پندان جمهوری اسلامی با کسب تکلیف از خمینی و دولت بجان بسش از ۵۰۰۰ نفر که برای برپایی این مراسم در آن محل جمع کرده بودند می افتند و با گلوله و گاز اشک آور و چاق و چاقو... بدستگیری شدند. ها نفر ورخمی نمودن آنان معیبر داز -

مران جنا بنگاری که مدعی اند "مسما نمیخواهم به زور سرسبز حکومت کنیم (مهدوی کشی - انقلاب اسلامی - هشتمه ۸ اردیبهشت) ا روخت و هراس از کمو - نستها سرسبزهای خود را میقل داده و بجان آنان افتاده و نشان دادند که تنها زور "سرسبز" است که میتواند تندی پایه های متزلزل حکومت خود را استوار نگه دارند.

تھا جم گسترده و منجم و واحدرژیسم حاکم بر علیه کمونیستها در آن روز به درستی ترس و وحشت آنان را از قدرت یا - بی کارگران و زحمتکشان نشان داد. اما دیدیم که با هم چگونه در سرسبزهای آنان تظاهرات هر چند پراکنده و موضعی در میدان قزوین و اسکندری و... بر راه افتاد. آری! کمونیستها از سرکوب و کشتار رسمی هراسند. و این رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی مساشد که در عین ضعف و زیبونی خود در خاوش با ختن آتش شعله ور انقلابی دست به چنین تهاجمات گسترده علیه زحمتکشان و کمونیستها میزند. روز اول ماه مه در تهران و سایر شهرها سوسله کمونیستها نشان داد که چه دره عمیقی بین آنان و رژیم حاکم فاصله دارد. نشان داد که چگونه رژیم حاکم از اتحاد دکارگران علیه ظلم وستم و استعمار مساشد و وحشت دارد. نشان داد که چگونه کارگران و زحمتکشان برای کسب قدرت سیاسی در طی این مبارزات مسابستی آبدیده شوند و مشکل ترو منجم تر چون شی واحد

غات، اجتماعات و سازمانهای انقلابی و ایجاد شوراهای واقعی کارگری، افتخای جنگ ارتجاعی، دفاع از جنبش مقاومت خلق کرد و جنبش آوارگان رابعیان اقتار وسیع کارگران و زحمتکشان برده و فریاد خود را بر علیه امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی بلندتر کرده و اینچنین هستگی خود را با کارگران سراسر جهان درنا بودی امپریالیسم و پیروزی سوسیالیسم اعلام داریم.

ما میبایستی بجان لنین رهبر کبیر پرولتاریا در اول ماه مه ۱۹۰۵ را بکار بست و چنین مضمون انقلابی - طبقاتی اینروز را بنمایش بگذاریم.

بر همین اساس بود که ما زمان بکار در راه آزادی طبقه کارگر و سازمان چریکهای فدایی خلق در یک اتحاد عمل انقلابی به پیشواز گرامیداشت اینروز در سراسر ایران رفته و تصمیم به برپایی تظاهرات میتینگ و... گرفتند.

اما برخورد رژیم حاکم چگونه بود؟

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی که در اینروز از یکسو خود را تدافع "کارگران و از سوی دیگر "آزادی اجتماعات و انمود میگرد با بیانیتهای تندیبا لعن دادستان و شورای ستاد امنیت و خمینی و... بر علیه اینگونه مراسم برخاست و این بهیج وجه غیر منتظره نبود. رژیم که حکومت خود را در سرکوب و کشتار کارگران و زحمتکشان برپا خاسته است، رژیمی که از آفشنای ماهیت واقعی خود در نزد توده ها و از میل خروشان آتشان وحشت دارد، رژیمی که نابودی خود را در گسترش چنین مبارزاتی مبیند، میبایستی هم دست به چنین حرکتی هم بزند.

بورژوازی حاکم از یکسویا فریب دادن کارگران چه بطور مستقیم و چه بطور غیر مستقیم بوسیله چاکران رویزونیست خود و از سوی دیگر با روشنگاری ابزار سرکوب خود (ارتش، سپاه پاداران، و پاشان و قداره پندان و...) و فرستادن آنان به سراغ کارگران آگاه و کمونیستها سعی در تھی ساختن روز اول ماه مه از مضمون انقلابی - طبقاتی آن داشت. و چنین است که از تظاهرات کمونیستها در اغلب شهرها از جمله رشت در روز پنجم

رهنمون ایمانند. این "عالمسمن بورژوازی در درون جنبش کارگری" کارگران را مستقیما دعوت به راه انداختن سریع سستم گنبدیده سرما به داری و ایستند فرا میخوانند تا حباب گشادار با نشان را برکنند. اینان همچون اربابان خویش کارگران را گوشت دم توپ بورژوازی حاکم دو کشور ایران و عراق ساخته و به آتشان میگویند که ما "افزایش تولید"، ارزش افزا - فی بیشتری برای سرما به داران بوجود آورند. اینان در عین تعظیم و تکریم به حضور "رهبر کبیرشان" پیمان مینهندند که تسمه آخرین دم به اربابان خویش وفا دار مانده و هیچگاه از وظایف چاکرما با نه خویش دست نشویند. آری! اینان دشمنان طبقه کارگر هستند. اینان بخشی از وظایف بورژوازی را که تھی ما - ختن اینروز از محتوای انقلابی - طبقاتی اش بود بدرستی انجام دادند و چنین است که در "آزادی کامل" در تحقق کارگران به بورژوازی خدمت کردند. آری! رژیم حاکم به وسیله ممکنه می داشت همانند همه حکومتهای ارتجاعی کارگران را در اینروز از شعارهای اساسی شان دور کند و با آرایش خاطر چنین روزی را پشت سر بگذارد. اما آیا توانست؟

اول ماه مه و کمونیستها

همانگونه که گفتیم اول ماه مه روز اتحاد تمام کارگران جهان بر علیه هر گونه ظلم وستم و استعمار رویان اساسی ترین خواستها و شعارهای آنان میباشد. وظیفه کمونیستها در ایران نیز چنین بود که این روز را نه یکی از عرصه های بیکار خود بر علیه امپریالیسم جهانی و رژیم جنایتکار حاکم مبدل سازند. ما میبایستی با توجه به ماهیت ارتجاعی رژیم حاکم و ضرورت کسب قدرت سیاسی برهبری طبقه کارگر و ستاد در زمینده اش سسب کمونیست، و با توجه به شرایط اعتلایی جامعه و گنده شدن بیش از حد توده ها از رژیم حاکم و وحدت یابی مبارزه طبقاتی و اوگیری جنبش توده ها شعارهای آزادی زندانی سیاسی انقلابی، بازرگاشی دانشگاه این سنگر آزادی، آزادی مطبوع

بن بست بازگشایی دانشگاهها و چرخش ضدانقلابی حزبیها

مویزه جناح حزب جمهوری اسلامی در قبال مسئله دانشگاهها در پیش گرفته بود. سبستی که بعدها سردمداران رژیم کم کم فهمیدند که نه تنها در سرکوب خواست بازگشایی دانشگاهها سیاست موفقیتی نیست بلکه منجر به منزوی شدن هر چه بیشتر و از دست دادن ابتکار عمل آنها گشته و ارجانب دیگر جنبش انقلابی دانشجویی و توده‌ای را که برخواست بازگشایی دانشگاهها پافشاری میکند رشد داده و خطرات جدی برای رژیم فراهم خواهد کرد تا آنجا که دورنمای بازگشایی مجدد دانشگاهها به همت توده‌ها و سیاستمداران آنها رادرو خود دارد.

اسنح بود که سران رژیم و پیشاپیش همه آنها خمینی (در پیام نوروز ۶۰) سیاست جدیدی را پیشه کرده و پس از آن در تمامی سخنرانیها و بیامایش بر آن تاکید ورزیدند. بیگانه موج جدیدی براف افتاد و از درون حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب فرهنگی بیرون زد. سردمداران حزب به تنها راهی که برایشان باقیمانده بود متوسل شده و مسئله بازگشایی هر چه سریعتر و عاجلتر دانشگاهها را مطرح کردند.

خمینی در پیام نوروزی‌اش با قرار دادن سه شرط بر لزوم تربیت متخصص و نگرانی نیروی اسنادان و بازگشایی مجدد دانشگاهها تاکید کرد. اخبار و گزارشات مربوط به دانشگاهها و عمل کرد های شورای انقلاب فرهنگی سراسر روزنامه‌های حزب جمهوری اسلامی را گرفت و موج جدید سیاست عوامفریبانه و سرکوبگرانه نوین رژیم تندوسریج براف افتاد رژیم بدینوسیله و با طرح مسئله بازگشایی

به مسئله بازگشایی دانشگاهها پاسخ گفت. رژیم بخوبی میداند که دیگر سرکوت در برابر این خواست برحق و انقلابی نبوده‌ها چاره کار نیست و تنها میتواند منجر به بسیج هر چه بیشتر توده‌ها و ورشد مبارزه آنها و حرکت برای بازگشایی عملی دانشگاهها گردد.

برای رژیم دو راه باقیست. دو راه برپیچ و خم و سراسر تناقض که هر دو در انتها رژیم را با بن بست گسترش مبارزه انقلابی ورشد جنبش توده‌ای مواجه میسازد اول اینکه نسبت به مسئله بازگشایی دانشگاهها مهر سرکوت برلب زده و بی تفاوت از کنار این مسئله بگذرد و بدون توجه به این خواست برحق و انقلابی توده‌ها چشم بر مبارزات انقلابی که در جهت بازگشایی دانشگاهها جاری است ببندد. سبستی که در طول یکسال گذشته و پیش از پیام نوروزی خمینی رژیم و



توطئه بستن دانشگاهها و زدن قفسل ارتجاع بر درهای این سنگرخونین آزادی و آگاهی انقلابی در روزهای اول اردیبهشت ماه ۵۹ چنان تندوسریج بسد وقوع بیوست و رژیم برای غلامی ار "بتر" مبارزات انقلابی دانشجویان چنان با چشم خون گرفته و دستان بخون آغشته عمل کرد که هرگز نمیخواست و نمیتوانست در آن زمان به سرنوشت امروزش - سرنوشت امروزه در رژیم فشار توده‌ها برای بازگشایی دانشگاهها و همچنین برای تامین نیروهای متخصص مورد نیاز محبوس به بازگشایی آنهاست بیانند. مثل معروفی میگوید: "امروز رادریاب تا فردا خدا فرج است" سیاست رژیم در بستن دانشگاهها و کشتار فحیح اول اردیبهشت دانشجویان بر سنای همین سیاست "امروز رادریاب" بود. دانشگاهها قلب جوان و تپنده مبارزه و کلاس بزرگ و وسیع کسب آگاهی سیاسی و بقول سردمداران مرتجع رژیم "اتاق جنگ" - "ستاد گروههای سیاسی" مرکز توطئه - "سنگر ضد انقلاب" و... شده بود. بنابراین رژیم میدانت که برای جلوگیری از مرگ سریع خود و برای جلوگیری از آگاهی توده‌ها و رشد سریع انقلاب باید که دانشگاه رادریاب!

و برای "فردا" - "خدا فرج است" اما امروز همان "فردا" است - "فردای بازگشایی مجدد دانشگاهها" "فردایی که پس از یکسال بستن نگاهداشتن دانشگاهها پس از یکسال سرکوب خونین دانشجویان و کشتار و اعدام آنها - پس از یکسال نظاره کرفعالیت انقلابی دانشجویان در کوچه و خیابان و میدان و کارخانه و محله و مدرسه بودن و پس از یکسال سرکوب مبارزه انقلابی توده‌ها برای بازگشایی مجدد دانشگاهها در حالیکه شعار "دانشگاه این است که آزادی به همتا توده‌ها میشود" و در زبان بسیاری از توده‌هاست. آری امروز همان "فردا" است که باید

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پییکار توده‌ها!

بی مجدد دانشگاهها میکوشید که بسیر خواست انقلابی توده ها سوار شوند و مبارزات انقلابی آنها حول بازگشایی دانشگاهها رادریس برده های عوامفریبی سرکوب کنند و از رشد و ارتقاء ایمن مبارزات جلوگیری کنند. مبارزاتی که بی شک دردورنمای خود به بازگشودن دانشگاهها که بدست پرتوان و قدرتمند نوده ها و بعنوان دانشگاههایی که هم چنان سنگرمبارزه و آگاهی سیاسی باشند منجر میگردد.

همچنین با کمی دقت میتوان دید که رژیم در مقطعی بر موج بازگشایی دانشگاهها سوار شده و این سیاست عوامفریبانه را در پیش میگردد که سالروز حماسه مقاومت دانشجویان انقلابی و کمونیست سالروز حماسه اول اردیبهشت ۵۹ در پیش است هراس از این روز بزرگ و تاریخی و مبارزات انقلابی، افشاگریها و تبلیغات وسیع انقلابیون و کمونیستها حول آن در اتخاذ چنین سیاستی از سوی حزب جمهوری اسلامی تاثیر بسزایی دارد.

اما همچنانکه گفتیم بن بست دانش گاهها در مقابل رژیم سنگتر و عمقتر از آنست که این سیاستهای عوامفریبانه بتواند برایش راه نجاتی فراهم آورد. عمق این بن بست رادروزها و هفته های اخیر پس از پشت سر گذاردن "اول اردیبهشت" میتوان بخوبی دید. عمیق بن بست راکه منجر به پشتکار و رو زدن حزب جمهوری و تغییر ۱۸۰ درجه سیاست در قبال مسئله دانشگاهها میگردد. در عرض مدت کوتاهی همه بیامها - سخنرانی ها و سفارشات قبلی مبنی بر بازگشایی هرچه سریعتر دانشگاهها به جهت عکس میافتند و به سفارشات و تاکیدات و هشدارهایی در عدم بازگشایی سریع دانشگاهها و عجله نکردن در بازگشودن درهای دانشگاهها ... تبدیل میشوند. خامنه ای در سخنرانی اش در نماز جمععه ۴ اردیبهشت ماه بدت نسبت به "سرفشار" (منظور جو مبارزه انقلابی توده ها برای بازگشایی دانشگاههاست) هشدار داده و از شورای انقلاب فرهنگی میخواهد که در کارشان عجله نکند و تحت تاثیر شائناز و تبلیغات قرار

نگیرند. او خطاب به اعضای شورای انقلاب فرهنگی میگوید:

" با انتظاری که امام و امت از شما دارند من متوافعان به شما عرض میکنم برادران کارتان را جدی دنبال کنید اما بهیچ وجه شتابزده و با عجله عمل نکنید، تحت تاثیر فشارها قرار نگیرید جو ملتهبی که سعی میکنند بوجود آورند شما را از هدفتان دور نکنند. دانشگاه اسلامی درست کنید آنوقت دانشگاه را باز کنید. این ملت حاضر است مقاومت کند و صبر کند و وقتی دانشگاه اسلامی صالح درست شد آنوقت فرزندان شما را بدانگاه بفرستند."

(جمهوری اسلامی شنبه ۵ اردیبهشت) و با بهشتی در مصاحبه مطبوعاتی اش با زهم سفارش و تاکیدش را بر همین مسئله گذاشته و میگوید: " مسئله تسلط برای شروع کار دانشگاهها بر پایه اصل انقلاب فرهنگی یک تلاش واجب است. این چیزی است که همه میخواهند و همواره روی آن تاکید شده است و اما اینکه تحت تاثیر این فشارها بدون رعایت معیارهای انقلاب فرهنگی کاری درجهت بازگشایی دانشگاهها صورت بگیرد این صورت نخواهد گرفت و ملت ما در برابر این تلاشهای مذبحانه ایستاده اند."

(جمهوری اسلامی پنجشنبه ۳ اردیبهشت) در قطعنامه راهبنمایی روزگارگر که از سوی حزب جمهوری اسلامی وانجمن های اسلامی کارگران و ... ترتیب داده شده بود و همچنین در قطعنامه " مجمع انقلاب فرهنگی " (متشکل از انجمنهای اسلامی دانشجویان) نیز بر این مسئله تاکید بسیار شده و مطرح میگردد که " مسئولین امر تحت تاثیر جو سازی و فشار افراد و نیروهای مغرض قرار نگیرند و در کار بازگشایی عجله نکنند " (تفصیل بمعنی از قطعنامه ها)

آیت الله مشکینی در سخنرانی اش در " مجمع انقلاب فرهنگی " که در تلویزیون پخش شد سفارشی بسیاری به اعضای شورای انقلاب فرهنگی کرده و صریحا اعلام میدارد که " دانشگاهها را بهیچ وجه باز نکنند، تا زمانی که کاملا اسلامی شوند " (نقل بمعنی از سخنان مشکینی و بدین ترتیب سردمداران مرتجع مسیح حزب جمهوری اسلامی و سران رژیم در ما -

ندگی و کج سرف خود را در این تغییر صریح سیاستان نمایش میدارند.

بی شک چنین تغییر سیاستی نمیتواند اتفاقی و بیانی از تفکرات و ذهنیات سران رژیم باشد بلکه عمدتا ریشه در رشد مبارزات انقلابی توده ها و بخصوص دانشجویان انقلابی و کمونیست حصول خواست بازگشایی دانشگاهها دارد. در واقع سران رژیم وقتی همزمان با مطرح کردن لزوم بازگشایی دانشگاهها مواجه با موج عظیم و وسیع جنبش انقلابی و خواست توده ها برای بازگشایی میشوند وقتی سران رژیم افشاگریها و تبلیغات وسیع نیروهای انقلابی رادروزهای اول اردیبهشت ماه میکنند و وقتی سران رژیم مقاومت انقلابی و حماسه آفرینی کمونیستها رادروز ۳۱ فروردین و در تظاهرات کمونیستها و تبلیغات بعدی آنها را می بینند برخورد میلیزمنند و در هراس از اینکه بازگشایی دانشگاهها منجر به تشدید این مبارزات و واچگیری آنها گردد سیاست قبلی خود را پس گرفته و تحت عنوان اینکه دانشگاه باید کاملاً اسلامی و بعد باز شود و ... تلویحاً به ادامه بستن دانشگاهها را داده و این سیاست زار را جاری فطی و موقت خود تشخیص میدهند.

در اینجا توضیح یک نکته ضروریست و آن اینکه بن بست دانشگاهها و بازگشایی آنها در درون حزب جمهوری اسلامی نیز ایجاد مناقشات و اختلاف نظرانی کرده است تا آنجا که اعضای شورای انقلاب فرهنگی در یک مصاحبه تلویزیونی در مورد مسئله بازگشایی دانشگاهها سخن گفته و مطرح میکنند که تصمیم دارند دانشگاهها را هرچه سریعتر باز کنند در این رابطه " روش " یکی از اعضای شورای انقلاب فرهنگی میگوید:

" ما با تمام امکانات و تمام نیرو سعی میکنیم که هرچه زودتر با جدا کردن اصلاحات و تغییرات ممکن دانشگاهها را باز کنیم " (انقلاب اسلامی یکشنبه ۶ اردیبهشت)

و با یکی دیگر از اعضای این شورا تاکید می کند که:

" کوشش ما بر اینست که خصوصاً پس از تاکید که روزهای اخیر امام فرمودند



انقلابات بورژوا-دموکراتیک پرازنوین

۱۲۱

۲- درهم شکستن دستگاه دولتی، نخستین وظیفه انقلابات بورژوا-دموکراتیک در عصر امپریالیسم است

سابق براین، در دوران انقلابات بورژوایی طراز کهن، دستگاه دولتی فئودالی نابود نمیشد، بلکه بیشتر تکامل مییافت. تمام انقلابات بورژوایی، نه تنها این دستگاه را درهم نمی شکستند، بلکه شاخ و برگ بیشتری هم به آن میدادند. بقول مارکس: "تمام انقلابها، بجای درهم شکستن این ماشین، آنها را تکمیل نموده اند" (هیجدهم برومر لویی بناپارت) چراکه در آن انقلابات، یک طبقه اقلیت (طبقه بورژوا) جای طبقه اقلیت دیکسوری را (طبقه فئودال) میگرفت و برای سرکوب با اکثریت توده ها که همچنان در محنت استثمار قرار داشتند، نیازمند این دستگاه و حتی رشد و گسترش بیشتر آن بود. اما در عصر ما، هیچ انقلاب دموکراتیکی نمیتواند بدون درهم شکستن دستگاه دولتی کهن، به اهداف خویش دست یابد. مارکس خود در قرن نوزدهم این مسئله را چنین بیان میکرد:

"اگر تونظری به فعل آخر کتاب "هیجدهم برومر" من بیفکنی، خواهی دید که من اقدام سعدی انقلاب فرانسه را چنین اعلام میدارم: برخلاف سابق، ماشین بوروکراتیک و نظامی از دستگیری بدست دیگر داده نشده بلکه درهم شکسته

شود و همین نکته هم شرط مقدم مائستی بر انقلاب خلقی واقعی زادرقاره تشکیل میدهد. (نامه مارکس به کولگمان ۱۲ آوریل ۱۸۷۱ - تاکید از خود مارکس است.)

چنانکه می بینید مارکس در اینجا از "بر انقلاب خلقی واقعی" سخن میگوید و نه صرفاً انقلاب سوسیالیستی. لنین بعداً این جمله مارکس را چنین شرح میدهد:

"در هیچیک از کشورهای قسمت قساره اروپا در سال ۱۸۷۱ پرولتاریا اکثریت خلق را تشکیل نمیداد. انقلاب "خلقی" جمعی انقلابی که واقعاً اکثریت رایج جنبش طلب شمایید، فقط وقتی میتواند آن انقلابی باشد که هم پرولتاریا و هم دهقانان را دربرگیرد. در آن زمان این دو طبقه بودند که "خلق" را تشکیل میدادند. دو طبقه نامبرده را این موضوع متحد میسازد که هر دو آنها به توسط "ماشین بوروکراتیک و نظامی دولتی" در معرض ستم، فشار و استثمار قرار گرفته اند. خورد کردن این ماشین و درهم شکستن آن، اینست آنچه که منافع واقعی "خلق"، منافع اکثریت آن یعنی کارگران و اکثریت دهقانان را دربردارد. این است "شرط قدمانی اتحاد آزادانه دهقانان تهدیت بسا پرولتاریا و بدون چنین اتحادی دمو - کراسی پایدار نبوده و اصلاحات سوسیالیستی محال است". (دولت و انقلاب مجموعه آثار - مجلد ۳۱ - صفحه ۵۳۰)

در عصر ما، از آنجا که دیگر انقلابات دموکراتیک برهبری بورژوازی هرگز نمیتواند به پیروزی دست یابد، هر انقلاب دموکراتیکی وظیفه درهم شکستن دستگاه دولتی کهن را بعهده دارد. چراکه پرولتاریا و زحمتکشان نمیتوانند دستگاه دولتی سابق را در جهت منافع خود بکار اندازند. کارگران و زحمتکشان، برای حفظ قدرت سیاسی و سرکوب مقاومت ضد انقلاب، نیازمند آنچنان دستگاهی اند که از درون خود آنها جوشیده و بیرون آمده باشد.

اگر دستگاه دولتی فئودالی، در دست بورژوازی میتواند بکار آید و حفاظت از منافع یک طبقه استثمارگر و دیگران عهده گیرد، اما هرگز نمیتواند بیواسطه ابزار در دست پرولتاریا و زحمتکشان بدل شده و کاملاً تغییر ماهیت داده، از استثمارشوندگان حفاظت کند. بدین منظور، دولتی نوین لازم است، دولتی که بهترین نمونه آنرا دولت نوع کمون پاریس و یا حکومت شوراهادر روسیه میتوان مثال زد.

با برقرارگشتن این دولت و درهم شکسته شدن دستگاه دولتی کهن، دیگر امر گذار به سوسیالیسم نیز میتواند بشکل مسالمت آمیز انجام پذیرد. چراکه دستگاه دولتی کهن نابود شده است و دستگاه دولتی نوین که در اساس خود دولتی است از نوع کمون و رهبری آن نیز در دست پرولتاریا و انقلابی است، میتواند بصورت مسالمت آمیز به دیکتاتوری

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته ترسازیم

پرولتاریا بدل کرده و نیازی به انقلاب قهراً نیست دوم برای درهم شکستن این دولت و ایجاد دولت نوین نیست

۳- دولت محصول انقلاب دموکراتیک پیروزمند در عصر امپریالیسم،

عبارتست از دیکتاتوری دموکراتیک خلق

اگر انقلابات دموکراتیک از طراز نوین و طبقه درم شکستن دستگاه دولتی کهن را بعهده دارند ، بجای آن بایستی چه دستگاهی را مستقر سازند ؟ پیروزی انقلاب دموکراتیک با استقرار چگونه دولتی تا مین می شود ؟

در انقلابات طراز کهن ، دولتی که بر جای دولت فئودالی می نشست ، دولت طبقه بورژوا بود . این دولتها ارگان سرکوب بورژوازی بر علیه پرولتاریا و زحمتکشان بودند . وظیفه این دولتها تا مین دموکراسی برای بورژوازی و دیکتاتوری برای زحمتکشان بود .

اما در انقلابات طراز نوین وضع از چه قرار است ؟

از آنجایی که این انقلابات بخشی از اردوگاه سوسیالیسم بحساب می آیند و نه اردوگاه امپریالیسم ، در این انقلابها همانطور که پرولتاریا انقلاب را رهبری میکند ، دولت دموکراتیک خلق را نیز باید رهبری نماید . اما در ضمن از آنجا

که شیک این انقلابات ، مستقیماً انقلاب سوسیالیستی نبوده و هدف برپایی دیکتاتوری پرولتاریا را بعهده ندارند ، سایر اقسام و طبقاتی که در صفوف خلق قرار دارند و نیز در آنها شرکت مینمایند .

بهمین دلیل این دولتها ، دولتهای دموکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر بشمار میروند ، که در ضمن حال و وظیفه اعمال دیکتاتوری بر اقسام و طبقات ارتجاعی و ضدانقلابی را نیز بر دوش دارند .

عبارت دیگر این دولتها هر چند از لحاظ وظایف پیش پای خود ، وظایف بورژوا - دموکراتیک را بعهده دارند ، مهمند دیگر ارگان سرکوب بورژوازی نبوده ، بلکه ارگان سرکوب پرولتاریا و سایر اقسام و طبقات خلقی اند . (۱)

لنین در مورد " دیکتاتوری انقلابی دموکراتیک کارگران و دهقانان " که شمار

استراتژیک کمونیستها در انقلاب دموکر - تیک روسیه بود ، چنین میگفت :

" پیروزی قطعی انقلاب برتراریسم عبارتست از استقرار دیکتاتوری انقلابی دموکراتیک کارگران و دهقانان

ایمان پیروزی همانا دیکتاتوری خواهد بود ، یعنی ناگزیر باید به نیروی جنگی ، به مسلح ساختن توده و قیام اتکا ؛ نماید نه اینکه به ارگانهای مختلفی که از " طرق غلطی " و " مسالمت آمیز " ایجا شده است . این به جز

دیکتاتوری چیز دیگری نمیتواند باشد زیرا اجرای اصلاحاتی که برای پرولتاریا با دهقانان ضرورت فوری و حتمی دارد موجب مقاومت شدید ملاکان ، بورژوازی بزرگ و تراریسم خواهد شد .

بسیار و دیکتاتوری درهم شکستن این مقاومت و دفع تلاشهای ضدانقلابی غیرممکن است . ولی واضح است که این دیکتاتوری یک دیکتاتوری سوسیالیستی نبود ، بلکه دیکتاتوری دموکراتیک است .

(لنین - دوتاکتیک - مجموعه آثار - صفحه ۲۵۷) بنا بر این میتوان وظیفه کلی این دولت را دیکتاتوری بر ضد انقلاب و تا مین دموکراسی برای نیروهای انقلابی دانست .

در این زمینه نیز در جنبش کمونیستی ایران نظریات اشعرافی موجود است که جلوه بارز آنرا میتوان در برنامه " اتحاد مبارزان کمونیست " مشاهده کرد . بعنوان مثال در " سپهری سوسیا - لیسم " شماره ۴ ، در مقاله " پوپولیسم در برنامه حداقل " ، اما ضرورت

دیکتاتوری بر نیروهای ضدانقلابی نفی شده و آزادی برای همه در جمهوری دموکراتیک خلق سخن رانده میشود و نظری را که معتقد است " با اتکا بر یک دولت انقلابی خلق ، دموکراسی برای خلق فقط خلق " (همانجا صفحه ۳۱)

تأمین میشود ، به نقد میکشد . این دیدگاه ، جامعه جمهوری دموکراتیک خلق را جامعه ای میدانند که در آن دموکراسی برای همگان تا مین است و بر هیچ نیرویی دیکتاتوری اعمال نمیشود . اما اگر

" برای لیبرال محبت از " دموکراسی بطور عام امری طبیعی است ، ولی ما - کیست هرگز این سوال را فراموش نخواهد

کرد : " برای چه طبقه ای ؟ " (لنین - انقلاب پرولتاری و کائوتسکی مرتد)

و بهمین دلیل دموکراسی در جمهوری دموکراتیک خلق نیز هرگز نمیتواند دموکراسی بطور عام بوده ، بلکه برای طبقه یا طبقات معینی خواهد بود دولت

دموکراتیک خلق نیز سازمانی خواهد بود " برای اعمال قوه قهریه سیستم - تیک یک طبقه بر طبقه دیگر یعنی بخشی از اهالی بر بخش دیگر " یعنی

دیکتاتوری خلق بر ضد خلق . بدین معنی که در جمهوری دموکراتیک خلق ، دمو - کراسی نه برای تمام طبقات بلکه صرفاً برای طبقات و اقشار خلقی مهیسا خواهد شد .

۴- دولت جمهوری دموکراتیک خلق ،

دولتی است با سمگگیری سوسیالیستی

همچنانکه در بالا اشاره رفت ، انقلابات سابق بورژوا - دموکراتیک هدف غایی خویش را برقراری جامعه سرمایه - داری قرار داده بودند . بدینال این انقلابات ، سرمایه داری در زیر بنا رشد و گسترش همه جانبه ای یافته و بر تمام جوانب اقتصادی مسلط میشد .

لیکن انقلابات دموکراتیک طراز نوین که بخشی از انقلاب جهانی پرولتاریا بشمار میروند از این حد فراتر رفته و بمشابه گام نخستین برای انقلاب سوسیالیستی بحساب می آیند .

بهمین دلیل نیز دولت های محصول این انقلابات (جمهوری های دموکراتیک خلق) دولت های هستند با سمگگیری سوسیالیستی لنین خود در این باره میگفت : " اگر

پرولتاریای انقلابی و پیروزشده تبلیغات منظمی در میان آنها بکنند و حکومت های شورایی با تمام امکاناتی که در اختیار دارند به کمکشان بیایند در این صورت اشتباه خواهد بود اگر گمان کنیم که ملت های عقب مانده باید بطرز اجتناب ناپذیری از مرحله سرمایه داری

تکامل خود بگذرند " . (لنین - کنگره دوم کمینترن - گزارش کمیسیون بررسی مسائل ملی و مستعمراتی) و همانجا اشاره میکند که این دولتها میتوانند مستقیماً بسوی سوسیالیسم حرکت کنند

سمگگیری سوسیالیستی این دولتها در بقیه در صفحه ۱۸

برپائی تظاهرات کمونیستها در اول ماه مه

برای برگزاری مراسم روز اول ماه مه ، روز همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان و برای ارائه یک قطب انقلابی در مقابل امپریالیسم و ارتجاع روز ۱۰ آورده بیست هزاران نفر کارگر و زحمتکش و کمونیست و انقلابی در حوالی میدان جمهوری و خیابان نواب و ... بتدریج از ساعت ۹ به بعد گرد می آمدند تا تظاهراتی را به دعوت سازمانهای بیکار در راه آزادی طبقه کارگر و چریک های فدایی خلق ایران برپا دارند .

هزاران نفر با قلمی آکنده از عشق به آرمان والای کارگران سراسر جهان و وراثت ارزشمندی که به سرمایه داران ، عشق به توده های ستمدیده و خشم به امپریالیسم و رژیم حافظ شفافیت " جمهوری اسلامی " ، درمکسان مقرر گرد می آمدند تا فریاد اعتراضی خویش را بر علیه سرمایه ، امپریالیسم و جمهوری اسلامی - جمهوری - قتل ، کشتار ترور ، خفقان ، سرکوب و در یک کلام جمهوری سرمایه ، بلند کنند . تا مرگ امپریالیسم و ارتجاع و فردای پیروزمان کارگران را نوید دهند ...

لیک چنین تظاهراتی و چنین شعارهایی هرگز نمیتوانست مایه وخت سرمایه - داران و حکومت حامی منافشان نگردد و چنین نیز شد . رژیم بلافاصله بعد از اعلام راهپیمایی علیه آن موضع گرفت و خواهان سرکوب آن شد . آری ، رژیمی که به درپوزگان رسوای خویش ، روبرو - یونیت های خائن توده ای و اکثریتی اجازه هرگونه مراسمی را داده و سه حفاظت آن برخاسته بود و برای انسان نمطیفات نیز براه انداخته بود ، باید هم تظاهرات کمونیستهای انقلابی ، این دشمنان آشتی ناپذیرش را ممنوع و غیر قانونی و ... اعلام دارد و کمرهست به سرکوب آن بندد .

برای اجرای همین توطئه نیز از صبح

روز جمعه ، نیروهای کمیته و پاسدار و گارد در اطراف محل دعوت شده مستقر گشته و آنرا با سقاخه خود در آوردند تمام کوچه ها و خیابانهای اطراف به جولانگاه آنان بدل گشته بود . همچنین اوپا ش و اراقل رژیم نیز تحت عنوان " مردم سلیمان " منطقه را به اشغال خویش در آورده بودند . رژیم مصمم بود تا به هر طریق ممکن از برپایی مراسم جلوگیری و خشکری مرتجعین بتدریج آغاز میشد . کم کم دستگیریها شروع شد . مزدوران بود . زواری ، بانشان کردن افراد آنها را دستگیر می نمودند . راه رفقا را سد کرده به گشتن کیفها و ... مشغول شده و هر کس اعلامیه یا نشریه انقلابی ای با خود همراه داشت ، بشدیدترین و وحشیانه تر بین صورتی مورد ضرب و شتم واقع شده و راهی زندان میشد . اوپاشان به وقیحانه ترین شکلی رفقای دختر را کجک سزدند . کسرتکی بود که از دست این سادبان " عدل اسلامی " با صورتی نالیم راهی زندان گردد . چه بسیار رفقای

که از فرط جراحات وارده راهی بیمارستان شدند .

در تمامی این موارد ، توده های کجکاوی که در کنار خیابانها نظاره گستر جریان بودند ، با چهره های برآبروخته به دفاع از انقلابیون برخاستند . در چندین مورد در اطراف آذربایجان - نواب پاسداران جنایتکار که مقاومت مردم را در برابر دستگیری رفقا دیده بودند ، با پرتاب گاز اشک آور اقدام به پراکنده نمودن جمعیت میکردند .

با این وجود حوالی ساعت ۱۱ یک راهپیمایی از چهارراه اسکندری - جمهوری اقدام به دادن شعار نمونه و تظاهراتی را براه انداختند . با وجود مقابلت فوری فالانژها و کمیتهای ها ، این تظاهرات تا میدان رشدیه ادامه یافت . بدلیل جو موجود ، تظاهرات موضعی در محل دیگری برپا شد . حوالی ساعت ۱۱/۳۰ دقیقه ، رفقا از چهارراه لشکر دست به تظاهرات زدند .

بقیه در صفحه ۱۰



گوشه ای از تظاهرات در میدان قزوین

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

رفیقی در زیرشت ولگدا با داران سرمایه



تظاهرات

فریادهای "اتحاد، اتحاد، اتحاد کارگران اتحاد" در فضا طنین افکند. سیاسی "اتحاد - مبارزه - پیروزی" و تظاهرات از طرف پائین ادامه یافت. مسنگا - های سرکوب بلافاصله بعد از باخیر شدن از جریان، بحرکت درآمدند. تظاهرات موضعی فوق تا مسافتی پرازمیدان قزوین ادامه یافت و در آنجا کاربه درگیری کشید.

پرناب گاز اشک آور و سپس شیراندازی هوایی وزمینی - تمام محوطه آکنده از گاز اشک آور شده بود. پاسداران جنایتکار، عمده لوله تفنگهای خود را بسمت زمین، کنار پایا سرافقا نشانه میرفتند. همانجا چندتن شیر خوردند و عدهای نیز بطرق دیگر مجروح گشتند. تعداد زیادی از تظاهرکنندگان دستگیر شدند.

بدنبال پایان تظاهرات، مسجوع دستگیری در تمام نواحی، کارگر، انقلاب نواب، جمهوری و... ادامه یافت. آری! امسال نیز چون دهها سال دیگر خردها کشور دیگر جهان، تظاهرات اول ماه مه، روز جهانی کارگران، بخون کشیده شد، سرکوب شد و بورژوازی قهر ضدانقلابی خویش را در برابر پرولتاریا بنمایش نهاد.

بقیه از صفحه ۱۱ هراسیم

تحصیلی بتواند دارای این محتوای انقلابی - بی بوده و در خدمت اهداف انقلابی فوق قرار گیرد در برگزاری آن باید برضی نکات مهم دیگر نیز مدنظر قرار گیرد:

از جمله اینکه: مراسم پایان مسال تحصیلی مراسمی دمکراتیک است که بدلیل داشتن مضمون سیاسی - انقلابی تنها میتواند در برگیرنده نیروهای انقلابی و کمونیست باشد و نیروهای ارتجاعی و رویزیونیست (انجمن اسلامی - یا خائنین شوندهای واگترین) در برگزاری ایسین برنامه جایی نداشته و باید منزوی و افشا گردند.

لیکن چه باک! مبارزه کارگستران و زحمتکشان و یگانه تدافعی راستیشان کمونیستها ادامه خواهد یافت، سالهای دیگر، ۱۱ اردیبهشت های دیگر بهیراه خواهند آورد و پرولتاریا هر سال نیروی بیگزان طبقاتی خویش را نشان خواهند داد. هیچ نیرویی را با رای مقاومت

این مراسم تا حد امکان باید از طریق تشکیل کمیته هماهنگی برگزار کنند. مراسم که مشکل از نیروهای انقلابی و کمونیست است برگزار شود و در مآرستی که دارای "شورای واقعی" مدرسه هستند میتوان از طریق شورا اقدام به برگزاری مراسم کرد.

تدارکات لازم برای اجرای ایسین برنامه و تبلیغات حول آن باید از قسبیل از برگزاری مراسم صورت گیرد و تبلیغ وسیع بر روی مضمون و محتوای اهداف این برنامه در میان توده های دانش آموز صورت گرفته و کوشش شود که

در برابر امواج انقلاب پرولتری و قهر انقلابی اونیت - پیروزی سرانجام از آن کارگران و زحمتکشان جهان خواهد بود و زیاله دانی تاریخ، گور همیشگی بورژوازی!

زنده باد اول ماه مه!
زنده باد کمونیسم!

بیشترین شونده های دانش آموز مدرسه به این مراسم دعوت و جلب شوند. واضح است که اجرای برنامه های متنوع از جمله اجرای نشا ترافشاگرانه - شعرخوانی - اجرای سرودهای انقلابی - سخنرانی - دعوت از خانواده های شهیدان دانش آموز و بکارگیری بسیاری شیوه های ابتکاری دیگر در برنامه ضروریست.

با امید آنکه برای سال تحصیلی جاری پایان انقلابی و شایسته را تسداری کنیم!

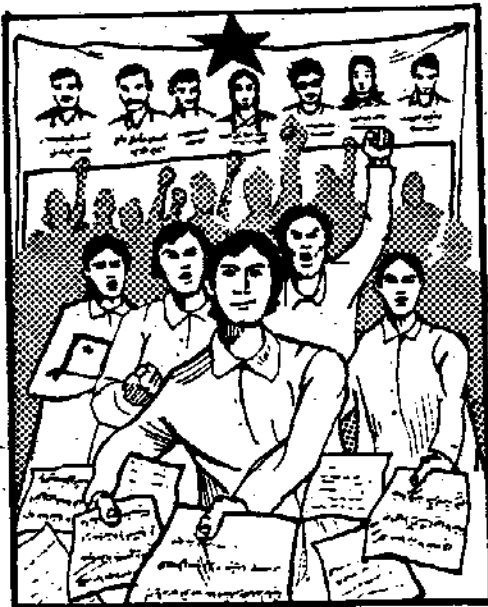
پیروز باشید!

هزارم جشن پایان تحصیلی را در مدارس برپای داریم

کم کم سال تحصیلی ۶۰ - ۵۹ را پشت سر میگذاریم. سالی که در جنبش دانش آموزی نقشی ویژه داشت. و مبارزات انقلابی - بی دانش آموزان در تمام طول آن و البته همراه با نوساناتی در جریان بود و یکدم رژیم را آسوده نمیگذاشت سالی که مدرسه از یکسور و شوق مبارزه ها دانش آموزان انقلابی و کمونیست را با خود داشت و از سوی دیگر حرمی و ولج زبونانه مسئولین مرتجع امور تربیتی و مدیران ارتجاعی را برای سرکوب آن و خلاصه سالی که برای دانش آموزان انقلابی و کمونیست و برای خنده های دانش آموزان کسب تجربه و فراگرفتن شیوه های نوین مبارزه با ارتقاء آگاهی سیاسی و تقویت روحیه تعرضی و مقاومت جوانانه و... بود. و امروز به پایان اینسال نزدیک میشویم اما برای تجدید عهد در ادامه انقلاب، برای گرامی داشت مبارزه های که در این سال داشتیم برای بخت عهد ادامه مبارزه در طول تابستان و... باید همراه با توده های دانش آموز با برگزاری هر چه باشکوه تر و انقلابی تر مراسم جشن پایان سال تحصیلی در مدارس برای سال تحصیلی جاری با پای خوب و انقلابی را تدارک ببینیم. در واقع مراسم جشن پایان سال تحصیلی تجمع سیاسی و افشاگرانه ای است که با شرکت وسیع ترین توده های دانش آموز برگزار میشود و باید که در خدمت افشای جنایات و سیاست های ارتجاعی رژیم و ارگانه های سرکوبگرش از جمله امور تربیتی و انجمن های اسلامی در مدارس قرار گرفته و ما هیئت توطئه های تعطیلی مدارس - اخراج دانش آموزان انقلابی و کمونیست - گرفتن تعهدنامه و تهدید و ضرب و شتم دانش آموزان - دستگیری و زندانی ساختن آنها و نیز سیاستهای ارتجاعی دیگر از قبیل اخراج و تنفیخ معلمان انقلابی و کمونیست - بستن دانشگاهها و سرکوب

دانشجویان انقلابی و کمونیست و... قرار گیرد. همچنین در این مراسم باید ما هیئت و چهره کشید نیروهای رویزیونیست این خائنین به طبقه کارگر و زحمتکشان و عملکردها و سیاستهایشان در مدارس و نسبت به جنبش دانش آموزی افشاگردهد. در جشن پایان سال تحصیلی دانش آموزان انقلابی و کمونیست باید بگویند تا با بردن شعارهای انقلابی و محوری جنبش دانش آموزی از جمله شعار محوری آزادی فعالیت سیاسی در مدارس و شعار "ضرورت انحلال امور تربیتی" و انجمن های اسلامی و بویژه شعار اساسی این مقطع یعنی شعار روخاست انقلابی و برحقیق "ضرورت بازبودن مدارس در طول تابستان" بمان توده های دانش آموزی تبلیغ خواستها و شعارهای محوری جنبش دانش آموزی بپردازند.

زمینه ارتقاء آگاهی سیاسی طبقاتی خود در طول این مدت و حفظ ارتباط تشکیلاتی با دانش آموزان انقلابی و آشنایی بیشتر با زندگی زحمتکشان و بیشتر از هر چیزی فعالیت آگاهانه در بین کارگران و زحمتکشان میباشد. همچنین باید با استفاده از این تجمع حیللهایی را که رژیم در طول تابستان و قبل از آغاز سال تحصیلی بعد انجام خواهد داد، از قبیل اخراج دانش آموزان انقلابی، گرفتن تعهد مبنی بر عدم فعالیت سیاسی در مدرسه و... باید شدیداً افشا شود همچنین باید در این رابطه دانش آموزان خواست که در این زمینه ها بگویند تا دوستان و رفقای هر چه بیشتری را خبر کرده و فردا کاری نکنند و منتظر تصمیم واحدی باشند. همچنین در این مراسم باید که یاد جاودانه شهیدان انقلابی و کمونیست دانش آموز شهیدانی همچون آذر مهر علیان ها - "تسری رشتی" ها - "منیم قریشی" ها و دهها شهید دانش آموز دیگر زنده گردید و پها مروح آنها که راهبسی زحمتکشان و تداوم مبارزه انقلابی بوده است بگوش توده های دانش آموز رسانده شود. در این مراسم باید که خواست آزادی زندانیان سیاسی انقلابی و به خصوص آزادی مددا دانش آموزان انقلابی مذهابیک پرشورا انقلاب که در زندانهای ساخته رژیم بر میزند نیز بمان توده های دانش آموز برده شد و با طرح این شعار روخاست انقلابی حماسه های انقلابی و ماندگار این جوانه های کوچک در بوند با آوری گردد. این مراسم با توجه به ویژگی ها و مسائل خاص هر مدرسه میتواند مضامین متفاوت و متنوع دیگری را نیز دربرگیرد که رفقا و دوستان انقلابی و دانش آموز با بدخود نسبت به آنها برخورد کرده و آنها را در بر نامه هایشان بکنند. اما برای آنکه مراسم جشن پایان سال بقیه در صفحه ۱۰



محصل مبارز می رزمند - ارتجاع، امپریالیسم می لرزد

رفیق قسد و نجان

رفیق در نامه پرشور خود این انتقاد را در رابطه با نشریه مطرح میکند کسه " مطالب آن سنگین و روشنفکرانه شسته است " ، درحالیکه " باید از نظرسنجی و سنگینی به مذاج توده های پائین و سنا آگاه جامعه که کوچکترین آگاهی سیاسی ندارند سازگار باشد " .

رفیق ضمن سیاس نسبت به کوشش فراوانی که برای تبلیغ نظرات پرولتری سازمان ویردن نشریه بمیان توده های هرچسه وسعتر میکنی ، در رابطه با این انتقادات باید مسئله ای را (که قبلاً نیز چندین بار آنرا مطرح کرده ایم) تکرار کنیم .

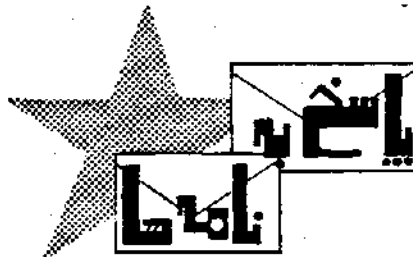
رفیق هر نشریه ای برای توده های محلی منتشر میشود . نشریه ای که برای توده های پیشرو و دانشجویان و دانش آموز نوشته میشود با نشریه ای که برای توده های متوسط و پائین توده های عقب مانده منتشر میشوند تفاوت دارد . نمیتوان نشریه ای بیرون داد که مسائل مورد توجه و قابل درک برای همه دستسه را شامل شود .

نشریه " ۱۳ آبان " برای توده های پیشرو و دانشجویان و دانش آموز یعنی دانش آموزان و دانشجویان کمونیست و متعادل به کمونیسم انتشار مییابد . درحالیکه نشریات دیواری مدارس برای عمدتا توده های متوسط انتشار مییابد از همینرو نباید وظیفه این دو نشریه را با هم مخلوط کرد . این برعهده شما رفقا است که در مدارس با استفاده از تحلیلها و رهنمودهایی که در نشریه " ۱۳ آبان " درج میگردد با انتشار نشریات دیواری ، به تبلیغ مواضع ما در بین توده های متوسط و تا حدودی عقب مانده بپردازید .

" رفقای هسته و راه قم "

" رفقای هسته و راه قم " مطرح کرده اند که در شمار " فعالیت سیاسی در مدارس آزاد باید گردد " ، بمنظور روشن کردن موضع رفیق خود باید مطرح کنیم که " فعالیت سیاسی انقلابی ... " ضمن قبول نکته مورد تذکر رفقا ، این مسئله را از این پس در نظر میگیریم .

رفیق بیژن از سقز ضمن اشاره به



گزارشی از تصرف ساختمان لاله در شماره ۶۱ نشریه ، توجه ما را به این نکته جلب کرده که در گزارش از تعدادی از سربازان یادشده که مرشاً در کنار زخمیست کشان قرار داشته اند و رودر روی افراد سپاه و پاسان جمهوری اسلامی قسار گرفته اند و در قسمتی از مطلب آمده است که این " سربازان بازو در بازوی مردم در جلوی پاسدارها " قرار گرفته اند .

رفیق بیژن سه این مسئله را مطرح میکند که بنا بر این باید نتیجه بگیریم که پاسدارها غد خلقی هستند ولی ارتش در کنار مردم قرار دارد .

رفیق ! همانگونه که از شما می نوشته های ما بر میآید و خودت نیز خط مخرج کرده ای ، ما تمامی دستگاه های سرکوب رژیم (چه نظامی و چه غیر نظامی) و تمامی دستگاه های نظامی رژیم اعم از سپاه کمیته ، ارتش ، ژاندارمری و ... را ارتجاعی میدانیم . اما این مطلب هرگز وجود سربازان انقلابی و ادراش پنا افراد انقلابی در کلیه نهادهای سرکوبگر نظامی را نفی نمیکند . همانگونه که در ۱۷ شهریور ۵۷ ارتش (بعنوان یک کلیت) سرکوب و کشتار زخمی کشان تهران برخاست ، سربازانی در ۱۷ شهریور فرماندهان مزدور خود را به گلوله بستند . با آنکه گاه میبینیم که افراد سپاه از کشتار زخمی کشان خودداری کرده و حتی

بمردم میبویندند و با آنکه اسلحه ها را زابه مردم تحویل میدهند و ... این مسئله تنها یکی از تفادهایی را که در ارتشهای ارتجاعی وجود دارد (تصاد بین سربازان که از خانواده های زخمی کش خلقی هستند با ارتش بعنوان ارگان سرکوب خلق) نشان میدهند . پس تذکر سربازانی که در این جریان بمردم کمک کردند هیچ دلیلی بروجود ذره ای جنبه انقلابی در ارتش ، این ارگان سرکسوسوب زخمی کشان ، نمیشاد .

رفیق افشار تهران

راه نمایی سه شرح در رابطه با جنایت فحیح اول اردیبهشت اسال فرستاده است رفیق در یادداشتی بر این طرحها مینویسد : " وقتی خبر دانشگاه را شنیدم ناراحت شدم . تصمیم گرفتم نقاشی ای در این رابطه بکشم و آنرا برای " ۱۳ آبان " بفرستم تا هم اعتراض خود را نشان دهم و هم اینکه اینکار باعث میشود که از چنین ماجراجویی سروری نگذریم " . رفیق دستت را در ادامه فعالیتهاست از جمله در این زمینه مشتاریم !

نامه های رسیده

دفتر شما بی نام " از د. د. غرب ، با تشکراز رفیق فرستنده امیدواریم بتوانیم از شعرهای دفتر در شماره های مختلف نشریه استفاده کنیم .

از رشت رفیق ل . آ . کلان پنجم نامه پرشور و کمک مالی ات بعه دستسان رسید . روحیه کمونیستی تودر کمک بسبب سازمانت ستودنی است . ما نیز امیدواریم که آرمان طبقه کارگر پرورز گردد . موفق باشی



موج خروشان نوده‌ای، در سرتاسر ایران توفند گرفت و رژیم حاکم رادرنگنه‌ای سنگ و بهم گره خورده غافلگیر گسترده است.

اینک در سراسر کشور از شمال تا جنوب از شرق تا غرب نوده‌های زحمتکش در جدال با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی برخاسته و آنچنان لرزه‌های برجای آن افکنده، اند که همه " سردمداران " رادرنگنه با چه و " پریشان خاطر " کرده است. هریک از " مردان " جمهوری اسلامی " راهی " رادرنگنه پای گذاشته و هریک می‌کوشند عجلانه به نحوی این خروش نوده‌ای را سد و مانع شوند.

مادرهفته‌های اخیر شاهد این جوشش نوده‌ای در اکثر شهرهای شمال (قاشم شهر ، آمل ، بابل ، ساری ، بابلسر و ...) و اصفهان و شهر کرد و همدان و کرمانشاه و کازرون و زاهد و ... تهران و کرج بوده‌ایم . چاهیم چنین شاهد بوده‌ایم که چگونه زحمتکشان " گرمدره " کرج در آخرین روزهای ماه فروردین دلاورانه در برابر ابزار سرکوب رژیم حاکم (ارتش ، سپاه پاسداران و مزدوران قدراره بندش) در جهت دفاع از حقوق خود و جلوگیری از ویران شدن یا ختن خانه‌های خویش مقاومت کرده و یکبار دیگر - خاطره حیات زحمتکشان خارج از محدوده رادرنگنه در برابر رژیم مزدور شاه خاش زنده کرده‌اند . چنانچه چنین شاید اجتنابات در اکثر کارخانه‌ها و بیرون در کفش علی که منجر به مقابله کارگران با پاسداران بر جای گردیده بوده‌ایم . همه این " تک جوشهای انقلابی " مقاومت‌های دلیرانه در برابر حکومت زورواستمنار جمهوری اسلامی چون حلقه‌های زنجیر با مبارزات زحمتکشان در لاهیجان و راسر و تظاهرات آوارگسان جنگی و ... در سال گذشته و نوروز امسال بهم پیوسته‌اند .

اما گرچه در سراسر ایران چنین خروش نوده‌ای آغازیدن گرفته است از طرف دیگر شاهد سرکوب و کشتار بی‌امان زحمتکشان در اکثر شهرها بدست رژیم پان جمهوری اسلامی بوده و هستیم . نتیجه این

اوج نوین جنبش نوده‌ای و کشتارهای وحشیانه رژیم حاکم

" بیگانه‌ها سرکوب شده‌اند، شهیدان زخمی و بسیاری درگیری بوده است ."

خصیلت اساسی

جنبش کنونی نوده‌ای

آنچه خصیلت اساسی و ویژگی عمده این جنبش اوچگیرنده نوین را تشکیل می‌دهد مختلای سیاسی بودن این مبارزات می‌باشد . زحمتکشان در عرصه نبرد با رژیم حاکم دیگر بر خواسته‌های منفی - اقتصادی پای نمی‌نهند بلکه از آن فراتر رفته و بطور مستقیم رژیم حاکم را نشان داده گرفته‌اند . در گرمدره کرج زحمتکشان در رابطه با ویران شدن خانه‌های خویش بدست رژیم حاکم دیگر تنها بر شعار " ما زمین می‌کنیم " اکتفا نکرده بلکه مستقیماً رژیم حاکم و بیرون سران دوجناح قدرت مند درون حیات حاکمه یعنی صدر بهشتی را مورد تعرض قرار داده و بر علیه آنان که کل رژیم حاکم را نمایندگی می‌کنند شعار داده و عا ملین اصلی ویرانی خانه‌ها و آوارگی خویش می‌شوند و با شعار " پاسدار جنایت می‌کند ، ارتش حیات می‌کند " ، " زحمتکشان گرمدره " بدستی کل ابزار سرکوب (نه بخشی از آن) را که هریک به جناحی وابسته‌اند) را مورد حمله و تهاجم قرار می‌دهند . و با اینکه در حوادث قاشم شهر و آمل ، بعد از

شهادت رسیدن چندین نفر از جوانان شهر ، اکثریت نوده‌های مردم بر علیه جنبش حنا باقی برخاسته و دست به تظاهرات و اعتراض علیه " حزب حاکم " و ابزار سرکوب رژیم حاکم می‌زنند . و می‌بینیم چگونه این موج جنبش اعتراضی در اکثر شهرهای ایران بالا می‌گیرد و لرزه بر اندام رژیم حاکم می‌اندازد .

همین ویژگی عمومی جنبش اوچگیرنده نوین نوده‌ها را میتوان بدینوسیله در تظاهرات آوارگان جنگی که بر علیه جنبش و فعالیت اصلی آن یعنی رژیم حاکم بسراوه می‌افتد و با حوادث لاهیجان و ... مشاهده کرد .

بنا بر این نتیجه می‌گیریم : بر طبق تشدید بحران اقتصادی - سیاسی جامعه ، عامل مضاعف جنگ ارتجاعی ایران و عراق ، شرایط اعتلائی جامعه ، نوده‌های کثیری از زحمتکشان به عرصه مبارزه با رژیم حاکم قدم گذاشته و بنا به شرایط محمول کنونی (فروریزی توهم نوده‌ها ، پتانسیل بالای آگاهی سیاسی در جامعه) این عرصه مبارزه را گسترش قابل ملاحظه‌ای یافته و حلقه‌های بهم پیوسته این مبارزات (که دارای ضمون سیاسی می‌باشد) نوید رشد عظیم جنبش نوده‌ای را میدهد .

جنبش اعتراضی و

استیصال و درماندگی رژیم حاکم

اینکه در برابر این خروش تند و تیز نسیم جنبش اعتراضی در اکثر شهرهای ایران برای رژیم حاکم غیر منتظره بوده است . تمام " سران " تهاجم " دست و پا " انداخته تا تهر نحوی شده جلوی آنرا بگیرند . نگاه بی‌سختی آنها و معا حبه‌ها و موضع گیریهای آنان در این رابطه این استیصال و درماندگی را به میان بی‌تفاوتی می‌گذارد . میدانیم که یورش نوین بر علیه زحمتکشان و انقلابیون و کمونیستها در پوشش " قانون " از اطلاعیه نوروزی خمینی که در آن گروههای مسلح " رادعوت به بازگشت به آغوش اسلام " کرده بود تدارک دیده شد . بعد از آن بی‌شائبه " آماده‌ای " دانشتانی انتحاری می‌باید ، این بی‌تابانه نیز که نمود

نَـان ، مَسْـکَن ، آزادی

کامل و تمام عیار زبونی و ضعف رژیم حاکم میباید (ما در شماره ۶۶ نشریه آرشیه نقد کشیدیم) گماکان در جهت تدارک پورش جدید حرکت دارند. آنان در برابر سهیل خروشان توده‌ای "سال امنیت" را مبدل به "سال قانون" نموده و با پیش کشیدن شیوه تحت آزاد میخواستند بطریقی نویسن دست به سرکوب و کشتار خود بزنند. اما اتفاقاً توده‌ای در اکثر شهرهای شمال، مبارزات زحمتکشان "گرمدره" و... خیلی زود توده‌ی محکمی به پوزه‌ها و گسوی آنان زد و تمام مباحثه‌های ارتجاعی را به رایه هیچ میگیرند. اینجا است که دم خسروس بیرون میآید و آنان به آشکار (که سرشت همه حکومت‌های ارتجاعی است) دست به سرکوب و کشتار زحمتکشان میزنند. آنان در این راه راه‌آنها را به پندان و تار و پندیک پرناب کنندگان خود نیز سود میجویند.

در همان زمانیکه جنبش اعتراضی اکثر شهرهای ایران جریان دارد و نسوی میگوید: "وقتی دولت اعلام کرد که این گروه در حال جنگ با نظام جمهوری اسلامی است... پس بنا بر این تعارف هم که نداریم، نمی‌شود که نشست و دیدگرم موعظه کرد و با پیدا و بر خورد قاطع کرد... (جمهوری اسلامی را رد بیهشت)

پس آقای نسوی مرتجع اعلام میدارد که موعظه کردن (بخوان همان بیانه‌های داستانی و شیوه تحت آزاد "لیبرال‌ها" و... دیگر نیست و باید "قاطعانه" به کشتار و سرکوب زحمتکشان و انقلابیون و کمونیست‌ها دست زد و این شیوه را نیز به کار می‌بندند. اما آیا میتوانستند جلوی آنها سد کنند؟

روزی از مباحثه آقای نسوی مرتجع نگذشته که موج اعتراضی بر علیه کشتارهای رژیم حاکم در قاسم شهر و آمل و... در اکثر شهرهای دیگر ایران بویزه تهران با لایمیکر دو هزاران نفر دست به تظاهرات و... میزنند. اینجا است که استیماژ و درماندگی آنان آشکار می‌شود و دست و پا افتاده و به هر شیوه‌ای متوسل میشوند.

مهدوی کنی وزیر کشور بعد از وقایع تهران و شهرهای دیگر میگوید: "در کبری - های اخیر به مملکت کشور نیست... میا نمیخواهیم به زور سر نیزه حکومت کنیم... من محمدرضا پهلوی نیستم بلکه محمدرضا

اوج...

مهدوی کنی هتم... ما از طرفی میخواهیم با علت خودمان برخوردی را که رژیم سابق داشته ما نداشته باشیم... اگر کمائی مطلبی دارند، مخالفتی دارند بصورت اعتقاد سازنده هیچکسی با آن مخالفت ندارد... و بعد از گروه‌های سیاسی میخواهد... همانطور که آقای بنی صدر و دولت اعلام کرده‌اند شیوه برخورد هتائی منطقی داشته باشد به بحث آزاد بینشید... و... (جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی از دینیهشت)

و این چنین به دست و پاهای افتند. آنان که تا دیروز به "بر خورد قاطع" پای میفشردند "موعظه کردن" را بپهوده‌ها بسته زحمتکشان گرمدره" را به رگبار گلوله‌های آمریکایی بسته و شمال کشور و تظاهرات و خورور دین کمونیست‌ها را به خاک و خون میکشیدند، اینک صحبت از اگر کمائی مطلبی دارند... هیچکسی بسا آن مخالفت ندارد... نمیخواهیم بسه زور سر نیزه حکومت کنیم" و "تحت آزاد" و... میکند.

آری همه این موضع‌گیریها تنها نشانه ترس و وحشت آنان از گسترش این جنبش اعتراضی و ضعف زبونی آنها در خاموش ساختن این اخگرهای فروزان میباشد. و بنی صدر که با قبا "آزاد بخواهی"

دروغین برتن خود را مخالف حملات و یورشهای "حزب حاکم" به اجتماعات و آزادیهای سیاسی جا میزند و در ۱۴ اسفند ۵۹ اعلام میدارد که "ریشه چاقاری را تا نبود می‌کیم" و اینهمه را تنها برای قدرت نمایی در برابر جناح رقیب و توهم توده‌ها نسبت بخود انجام میداد قبا دروغیسن از تن جدا میکنند و در انقلاب اسلامی میگوید "من مخالف این درگیریها" هتم و چنین وحدت هیات حاکمه را در سرکوب و کشتار و با به بند کشیدن جنبش اعتراضی بسه شیوه‌های دیگر به عیان نشان میدهند. اما رژیم حاکم با پیدا ننده به این شیوه و نه به آن شیوه نخواهد توانست جلوسوی سیل خروشان توده‌ای را که دارای موا - مین سیاسی گشته است بگیرد و ما باید

شاهد عرصه‌های نوین دیگری در پیکار علیه رژیم حاکم باشیم.

شیوه برخورد به این خصیلت اساسی جنبش توده‌ای چگونه باید باشد؟

با توجه به آنچه که در بالا گفتیم وظیفه انقلابیون و کمونیست‌ها نیز روشن میشود. آنان باید در جهت هدایت و رهبری آن برآیند و مستگیری اساسی آنرا روشن سازند و گمانا لایزه ترضا بند، با بدبگوشتی شعارهای این جنبش توده‌ای را ارتقا بخشیده و آنرا در جهت زدن کل قسودت سیاسی سازماندهی نمایند.

اما ویژگی دیگری نیز بر بخشی از این جنبش اعتراضی توده‌ها عمل میکند. در آنجا شبکه جنبش توده‌ای خودجوش و خودبویا تحت رهبری کمونیست‌های پیگیر اوج میگیرد (مبارزات زحمتکشان گرمدره "تظاهرات آوارگان جنگی و...)

بدرستی خصیلت اساسی و عمده خود یعنی زدن کل قدرت سیاسی را بنمایش میگذارد. اما ما میبینیم بر بخشی از جنبش اعتراضی که در اکثر شهرهای ایران بر علیه کشتارهای اخیر رژیم در شمال کشور شکل گرفته است رهبری مجاهدین خلق اعمال میشود. مجاهدین خلق بتا به انحراف اساسی خود (زدن یک جناح، تا شید جناح دیگر) در اکثر این شهرها سعی داشتند مسیر جنبش اعتراضی را تنها بسوی "حزب حاکم" هدایت نمایند و لاهرم در این رابطه جناح دیگر هیات حاکمه (لیبرال‌ها) را از تیررس خشم توده‌ها بر حذر نگه داشته و این چیزی نیست جز ذهنیت توده‌ها را از زدن کل قدرت سیاسی منحرف ساختن.

مجاهدین خلق با اینگونه سیاست خویش تنها جاده را برای رسیدن به هدف نهایی (کسب قدرت سیاسی) تا هموارتر کرده و توهم زحمتکشان را نسبت به یک جناح رژیم حاکم "لیبرال‌ها" افزایش داده و بدین ترتیب آنان را از رسیدن به آنچنان سطح آگاهی سیاسی ای که بتوانند بر علیه کل رژیم حاکم برخیزند بازمیدارند.

شود ما رزاین انحراف در اطلاعیه‌ای که رجوی بعد از تظاهرات تهران داده است آشکارا میباید. رجوی در این اطلاعیه علاوه بر آنکه از توده‌ها "استدعای آرامش و بردباری توحیدی و انقلابی" کرده و چنین آب - بقیه در صفحه ۱۹

گزارشی از اردوی نرورزی

سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار - شرق تهران

روز دوم

ساعت ۵ بیدارباش عمومی بود رفقا بعد از شستن دست و صورت در ساعت صبح معطله رفته ورزش را شروع میکنند ساعت ۷ برنا مه صبحگاهی آغاز میشود. ابتدا سرود انتر - ناسیونال همراه با به اهتزاز در آوردن پرچم سرخ که از طرف سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار - تهران ناحیه سه شرق اهدا شده بود شروع شد. از طرف سرپرست وظایف امروز رفقای اکیب ها مشخص شد. قرار شد اکیب ها برنا مه عبور از رودخانه را اجرا کنند و بعد اکیب جمع آوری همزمون آب و تهیه ناها رو نام مشخص شده و اعلام شد. رفقا بعد از خوردن صبحانه به جنگل رفته و با انتخاب جای مناسب طنابها را به درختها بسته و آماده آموزش بودند تا بتوانند بوسیله طناب از رودخانه عبور کنند بعد از توضیحات سرپرست رفقا با بستن طنابها به درختان به نوبت از روی آن رفته و به آن طرف طناب رسیده و بسر میگشتند. ساعت ۱۰ بعد از نیم ساعت فاصله بین برنا مه بود که رفقای شتا ترنما پشنامه استفاده از امکانات را اجرا کردند و سپس رفقا به سمت وانتقاد دیرداخته و ساعت ۱۲ کار آموزش طناب تمام شد. بعد از خواندن سرود مشغول خوردن ناها شدیم. و بعد یک رقص دسته جمعی اجرا کردیم. در این رقصها تمام رفقا با شور و شوق شرکت داشتند. روحیه بچه ها خیلی بالا بوده برخورداردهسای رفقا نه و کمونیستی در سرار اردو جاگم بود.

مسئله ای که بسیار جالب توجه بود همین جاکم بودن روابط کمونیستی بود که تجربه بسیار جالبی برای تمامی رفقا محسوب میشود. عشق به رفقا عشق به انجام وظایف جمعی شور و شوقی در بچه ها بوجود آورده بود.

هر چند که در بهره ای از مواضع انتقاداتی به رفقا بود اما این درصدها نا چیزی را به خود اختصاص داده و غیر عمده بنظر میرسید. بعد از اتمام رقص و سرود و کمی استراحت مجدداً رفقای شتا ترنما برنا مه ای اجرا کردند بنام "برخورد چپ و راست به خانواده" این شتا ترنماون بسیار جالب و آموزنده ای برای همه رفقا داشت و بطور جمعی اجرا میشد و در فرا گیری شیوه اصولی برخورد به خانواده به همه رفقا کمک بسیاری میکرد. بعد از اجرای شتا ترنما یک مسابقه اجرا شد که شکل کار بدین منوال بود که

مرزبندی دقیق داشت همان دیدگاههای فئودالی بود که در جامعه ما ریشه دارد. البته این انحراف انحرافی مطلوب بود نه غالب. اما در هر صورت وجود داشت و رقابتی میکردند که بچه های فویر را انتخاب کنند و تقریباً در تمام مسابقات نهایی فقط رفقای پسر شرکت داشتند و در واقع نیمه از واحدها اعلام مسابقه شرکت نداشتند. این برخورد را است خود رفقای دختر را هم می رساند که عملاً بدنبال چنین جریانهای افتاده و مرزبندی قاطع با آن نکردند. چیزی که از اجرای مسابقات میخواهیم همان تقویت روحیه کمونیستی و رقابتی کمونیستی و مرزبندی بسایر دیدهای خرده بورژوازی نسبت به سابقه و برنده شدن است. یکی از واحدها بعنوان برنده این مسابقه تعیین شد.

بعد از مسابقه تمام خورده و بعد شروع به خواندن سرود کردیم برنا مه ای اجرا شد نام "یادی از رفقای شهید" برنا مه ای این شکل بود که رفقا هر خاطره ای از



صحنه ای از راهپیمایی در جنگل

قبل از ظهر روز سوم

هر واحد به قسمت شده و بین تمام گروه ها مسابقه برگزار میشود و چند گروه به فینال رسیده و یکی انتخاب میشد مسابقه طناب کشی بود یعنی گروه دو طرف طناب را گرفته و گروهی که میتواند طناب را بیشتر به طرف خودش بکشد و گروه مقابل را به جلو بیاورد تا از حد مرز بگذرد برنده می شد. انحرافی که به چشم خورد و با پیدا آن

رفقای شهید جایزانی و چه بین الملی دارند تعریف کنند. همگی رفقا دور آتش جمع شده بودند. رفقای یک به یک اجازه گرفتند و صحبت میکردند. ابتدا رفیقی از مراسم که در برورد به خاطر رفیق شهید ابلاغیان از طرف خانواده رفیق برگزار شده بود یاد کرد و روحیه و برخورد خانواده

محصل مبارز، دانشجوی مبارز، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش

رفیق را شرح داد. سپس رفیقی از رفیق شهید محمود مهدی صحبت کرد. یاد رفیق کرامی با دورا هش با پدار. رفقای دانش آموز که در رابطه کاری با او بودند صحبت کردند. از اینکه چقدر بر خورده شده‌ای داد. خنده و اینکه چقدر ما ده صحبت میکرده حرف زد. چند تن دیگر از رفقا هم صحبت کردند.

صحنه آموزشنده و پیرمختوا بود. رفقا به آتش خیره شده و در فکر بودند در رفقای شهید و ایما نشان در فکر آلمان والای خود در فکر رفقای که اکنون در بند رژیم سرما به داران هستند. در هر کلام و گفتگو ایما نشان به راه رفقای شهید و نرفت و کینه مان به دشمن طبقاتی بیشتر میشد. در دل مان عهدی بستیم که راه رفقا را تا به انتها ادا می‌دهیم. راهی که با بدیا قدمهای استوار رهیتموده شود. راهی که هر کس با رای قدم گذاشتن در آن را ندارد. چرا که احتیاج به کینه طبقاتی دارد.

نوبت به "رفیق تقی شهرام" رسید. در باره او چند نفر از رفقا صحبت کردند. برنا به آن شب در سکوت پر مضمونی به آنها رسید و در خاتمه مشتها را گره کرده و سرود خواندیم. رفقای گشت به سرپرست خودشان رفتند. شورای فرماندهان آن شب جلسه داشت رفقای دیگر خوابیدند. بخسوا ب رفتند تا خوردند فردا را با رزم و پیکار رخسود فتح کننده و زمه گنان میخوانند

"... برپا کنیهای شمشیدگان خورشید فتح فردایمان را با رزم و پیکار خودی امان ویران کنی کنگاخ ظالمان را..."

روز سوم

در ساعت ۳/۵ بعد از بایش عمومی بود. رفقا در ساعت ۶ آمده آغا برنا به صبحگاه می شده بعد از نوبتی و تقسیم مسئولیتها توسط سرپرست صبحانه خورده و آما ده گوهنوردی شدیم. مدت ۲ ساعت راه رفتیم. صدای محکم رفقا که سرود میخوانند در جنگل می پیچید از هر گوشه صداهایی بگوش میرسد کسبه زمزمه می کرد

"... ما پیکارگرانیم بی معا با جان فشانیم ما فرزندان دلیرانیم ما فرزندان طوفانیم..."

حدود ظهر برگشتیم و بعد از خوردن ناهار نیم ساعت واحدها وقت داشتند صحبت کنند. بعد از آن رفقای تنها تر نما یشنا مسه تها ده را اجرا کردند. مضمون آن شعار "علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها" بودند نشان میداد که لیبرالها و حزبها بر سر رکوب خلقها چگونه وحدت داشته و اختلافاتشان فقط برای کسب قدرت بیشتر در دولت بمنظور سرکوب کردن خلقها و بیشتر بهره بردن است. در نمایش نقشش روی بیونیستها بدستی نشان داده شده بود و اینکه روی بیونیستها این خاشنن به طبعه کارگرو آستانه بومان بورژوازی از انجام هر کاری برای جلوگیری از رشد انقلاب ایایی نداشته و نوکری خود را کمال نشان میدهند.

بعد از کمی استراحت در ساعت ۸ بعد از ظهر جلسه‌هایی انتقادی برگزار شد. قرار شد بحث را قسمت کرده اول به مضمون اردو و برنا به برخورد کنیم و بعد به رفقای فرمانده و سرپرست و کل جمع. کلیه رفقا نقاط مثبت را می شکافتند و توضیح میدادند که آن نقاط مثبت زیاد و عمد بود که اگر نقاط مثبت و منفی را در ترازو بگذاریم وزن کنیم نقاط منفی اصلا بحساب نمیآیند. رفقا از روحیه ای که اردو به آنان داده بود صحبت می کردند همین روحیه ای که رفقا از آن نام میبرند آموزش ایدئولوژیک بود که در سرنا سسر برنا مدها در نظر گرفته شده بود در اردو تمام کارها جمعی اجرا میشد و بچه‌ها این فرست را داشتند که ابتکار برزنند و برای بهتر پیش بردن برنا مدها های جدید نشان بدهند و در واقع یک مسابقه کمونیستی بین تمام واحدها در گرفته بود. اینکه اردو دستاوردهای زیادی را برای ما می رفقا به همراه داشت مسئله ای بود که اکثریت قریب به اتفاق بچه‌ها آنرا تا شنید کردند. یکی نقاط ضعف را بچه‌هایی غیر بودن از شهر شمرند و گفتند باید وقت است اختصاص میدادیم و را دیورا حتما گشوش میکردیم تا وقتی که بعد از چند روز به شهر بر میگردیم از جریانات عقب نیفتاده باشیم.

در قسمت دوم رفقا نقاط ضعف و قوت فرماندهان خود را مطرح میکردند و بعد از آن نقاط قوت و ضعف رفیق سرپرست برخورد شد.

جلسه‌ها ممتد و رفقای کشیک بر سر کار خود رفتند و بقیه رفقا به خواب فرورفتند.

روز چهارم

صبح در ساعت ۳/۵ رفقا با سرود "برپا خیز از جا کن... از جای خود بلند شده و آماده رفتن به محوطه شدند. امروز آخرین روز اردو است. در سرنا سراردونکتسه جالب این بود که رفقای هر اکیب سعی داشتند که با نظم بهتری به محل صبحگاه رهنه و در واقع یک رقابت بین واحدها بود. رفقا شعارهای جدیدی در می آوردند و سعی در بهتر برگزار کردن برنا مسسه داشتند. بعد از تکرار شعارها به ورزش صبحگاه می پرداخته و سپس به صف شده و مراسم اختتام اردو اجرا شد. ابتدا یک دقیقه سکوت به یاد شهیدان اعلام شد و بعد سرود اختتامی خواندیم. برچشم اهدافی سازمان دانشجویان و دانشش آموزان پیکار به شرق در دست رفیقی به اهتزاز بود.

سپس رفیق سرپرست جمع بندی شورای فرماندهان را اعلام کرد. بعد از جمع بندی سرود برچشم و را خواندیم و بعد به برنده مسابقه برچشمی اهدا شد. این برچشم از طرف رفقای برنده مسابقه دریافت شد و آنها اعلام کردند که آن را به رفیق سرپرست به پاس مسابقه و سرپرستی اش اهدا میکنند. رفقا مثل همیشه سرودها را محکم میخواندند یک رقص دسته جمعی اجرا کردیم و شادو خند. ان با امید به پیروزی راهمان قدمها را محکم تر به زمین کوفته و آماده برگشتن به شهر شدیم.

کوله‌ها را برداشته و در واقع کوله‌های هر از تجربه را گرفتیم تا به شهر آوریم و این تجربیات را به رفقای دیگر انتقال داده تا بتوانیم همگی محکم تر و استوار تر از پیش در راه سرخ کمونیسم قدم برداریم برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق با ایمان به پیروزی راهمان

"سازمان دانشجویان و دانشش آموزان پیکار" - شرق تهران





بقیه از صفحه ۲۰ اخباری از...

جلساتی که این عناصر خود فروخته بسه همراهی تعدادی ناآگاه که با همسایان مدرسه آقای روزبهانی ترتیب داده بود - ند که همانا ایجاد درگیری با نیروهای انقلابی و ایجاد محیط رعب و وحشت بود به اجراء آورند بنا براین وقتیکه فالانژها محل رسیدند معادف با موقعی بود که یکی دیگر از دانش آموزان شروع به نسیب دستنویسی که در رابطه با اولیاء مہ و با انشاء سازمان دانشمویان و دانش آموزان بیکار نبود کرد که یکی از فالانژها جلو آمد و خواست که دستنویس را بکند که توسط همین دانش آموز از اینکار جلوگیری بعمل آمد در این موقع با حمله فالانژها و عناصر سپاه روبرو میشود درگیری شروع میشود و یکی از آنها با پنجه بوکس در حضور روزبهانی بسه دانش آموزان انقلابی حمله میکنند ، ناظم مدرسه هم با ظاهر جدا کردن دانش آموزان بمیدان میاید ولی در عمل شروع به کتک زدن آنها به همراهی عناصر فالانژ میکند ، دانش آموزان انقلابی مدرسه به خاطر آنکه عده ای از هموطنان خوزستانی مرخص بودند و میدانستند که ایدامه و گسترش درگیری باعث آزار آنها خواهد شد سعی میکنند که از گسترش درگیری جلوگیری کرده فقط مقاومت میکنند تا آنکه مجبور به ترک مدرسه میشوند .

دیرستان شهیدی

روز دوشنبه ۶۰/۱/۲۵ عوامل رژیم به این مدرسه رفته و یکی از معلمین انقلابی این مدرسه را از کلاس بیرون کشیده و حکم اخراج وی را بدستش میدهند وی به سرکلاس برگشته و به دانش آموزان اعلام میکند که مرا اخراج کرده اند ، دانش آموزان که معلم انقلابی خود را میشناختند و می دانستند موقعیکه هر کدام از به قدرت رسیدگان رژیم مرتجع جمهوری اسلامی با درخارج از کشورم

داده بودند و با درسوراهای خود خزیسه بودند و با رژیم شاه همکاری میکردند این فرد معلم مبارزی بوده است به بیرون از کلاس ریخته و اعتراض خود را با شعار دادن و شگستن شیشه های مدرسه نشان میدهند ، که بعد از این حرکت مزدوران رژیم این معلم انقلابی را دستگیر میکنند . فردای آنروز دانش آموزان این مدرسه در اداره فرهنگ جمع میشوند و خواستار آزادی معلمشان میشوند و در آن جا شروع به دادن شعارهایی نظیر: معلم مبارز تصفیه را غنچی کن ، غنچی کن ، فعالیت سیاسی آزاد باید گردد و مینمایند که در این موقع او با - شان و فالانژها به دانش آموزان پورش برده و آنها را از اداره آموزش و پرورش بیرون میکنند دانش آموزان مقاومت کرده و در بیرون از آن جمع میشوند و شعار ای فرهنگ استعماری چرا جواب نداری و را میدادند . در این موقع چند ماشین پلیس و سپاه به محل میایند که با ورود آنها دانش آموزان و مردمی که به حمایت از آنها در آن محل جمع شده بود شعار مرگ بر ارتجاع را ۳ بار تکرار کردند . بعد از مدتی که فالانژها و او با باغان نتوانستند کاری صورت دهند عده کمی را بدور خود جمع کرده و شعار الله اکبر را میگفتند که در این موقع دانش آموزان شعار مرگ بر ارتجاع ، مرگ بر آمریکا را همراه با زدن دستهای خود بهم تکرار میکردند و بعد از آن دانش آموزان در وسط خیابان نشسته و قطعنامه خود را خواندند که مضمون آن اشاره بسه مشکینی مدیرکل آموزش و پرورش لرستان که به بهانه تفسیر مدرسه ما آنرا بسته تا فرصت پیدا کند و معلمین مبارزان انقلابی را اخراج نماید که همان اقدامی سیاست رژیم در مورد " فدا انقلاب فرهنگی" است و نیز حمایت از معلم اخراجی خود و اعتراض به دستگیری وی بود ، مبنی بر شش بند قرائت شده که عبارتست از: ۱ - آزادی کلیه معلمین دستگیر شده ۲ - بازگشت بدون قید و شرط معلمین مبارز اخراجی ۳ - آزادی فعالیت سیاسی در مدارس ۴ - ایجاد ویرسمیت شناختن

شوراهای واقعی دانش آموزی ، ۵ - حلو گیری از تهاجم عناصر جمافدار به مدارس از طرف ارگانهای سرکوبگر ،

و در پایان با شعار محمل ، معلم بیوندتان مبارک پراکنده شدند ، بعد از مدتی که بصورت پراکنده در خیابان میرفتند دانش آموزان دبیرستان کتیراشی کسه برای برخی خواسته های منفی خود از مدرسه بیرون ریخته و بعد از راهیمایی در خیابانهای شهر بطرف اداره آموزش و پرورش میآمدند به آنها ملحق شدند که تعداد آنها به ۱۰۰ نفر میرسد ، با ملحق شدن این دو گروه از دانش آموزان بهم ، شعارهای دانش آموزان کتیراشی که قبل از پیوستن به دانش آموزان مدرسه شهیدی " حذف کتاب درسی ایجاد باید گردد ، خواسته دانش آموز اجرا باید گردد " تبدیل به شعارهای " محصل فصل پیوندتان مبارک ، معلم مبارز آزاد باید گردد ، محصل میرزا مدارتجاع میلزرد " شد و این دو گروه یک مدافعتیه دوباره بطرف آموزش و پرورش آمدند ، قبل از رسیدن این دانش آموزان به اداره فرهنگ به ماشین پرازا با سداران مسلح آنها بودند و فتیکه به آموزش و پرورش رسیدند و با شان و فالانژها به پشتوانه حضور سپاه پاسداران حرما به دانش آموزان حمله کرده و شروع به کتک زدن آنها نمودند ، یک دانش آموز که به داخل منزلی رفته بود در آنجا آتشبار به شکل وحشیانه ای زدند که به همشوش شد ، ساکنین آن خانه با شاهده چنین وضعی شروع به فریاد دادن به سران رژیم نمودند ، عده ای در اثر این حمله زخمی شده که آنها را به بیمارستان منتقل نمودند ، عناصر جاسوس سپاه که در آنجا حضور داشتند و شروع به شناسایی عده ای از فعالین تظاهرات و تجمع دانش آموزی کرده بودند با معرفی آنها به سپاه توسط آنها دستگیر میشوند که در آپس بین بیش از سه نفر دستگیر شدند ولی قبل از آن دانش آموزان مبارز و انقلابی در گوشه دیگری از خیابان کتک مفعلی بعد از آن فالانژها میزنند تا تصور نکنند که حمله آنها بیجواب خواهد ماند

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

بقیه از صفحه ۶ بن بست...

هرچه سریعتر وزودتر در سال تحصیلی آینده دانشگاه رادرفستهایی ته ممکن است بازکنیم وروز معینی رانمی توانیم اعلام کنیم ولی سعی ما بر اینست که در همین سال تحصیلی قسمتهایی راکسسه آماده میشود بازکنیم .

این تناقضی که خودتاشی ازین بصحت حاد ولاینحل دانشگاهها برای رژیم است تا آنجاست که ازسوی اعضای شورای انقلاب فرهنگی "نوگشایی" را نوید میدهند وازسوی دیگر باطله کوتاهی خامنه ای وبهشتی وسایر سران مرتجع حزب خواستاران میشوند که در کارعجله صورت نگیرد ودرواقع تا آنجا که ممکن است قضایه کش داده شود اما همچنانکه گفتیم بروز تندوسریع این چرخشها وزیگزاکیهای ضد انقلابی درحزب جمهوری اسلامی تناقضات موجود در گفتارمردمان مرتجع حزب ووجود اختلاف نظراشی دربین آنها برروی مسئله بازگشایی دانشگاهها امری اتفاقی نبوده بلکه دقیقاً ناشی از رشد جنبش توده ای ونفوذ خواست بازگشایی دانشگاهها درمیان خودها ورشد مبارزات آنها بگرد این شعارو روحیه تعرضی ومقاومت جویانم دانشجویان ودانش آموزان انقلابی و کمونیست دردفاع ازاین خواست برحقشان میباشد . ودرواقع نشاندهنده درماندگی رژیم درمورد مسئله دانشگاههاست درماندگی ازاینکه اگر دانشگاه راباز کند شاهد اوجگیری مبارزات انقلابی از درون دانشگاهها این سنگرهای خونین مبارزه انقلابی خواهد بود واگر دانشگاه رابسته نگاه دارد شاهد رشد مبارزات توده ها درسیرون دانشگاهها وحرکت عملی آنها برای بازگشایی سنگر انقلاب خواهد گردید . واین هردوبرای رژیم ارمغانی جز مرگ ونابودی هرچه سریعتر نخواهد داشت .

بنابراین سردمداران رژیم مجبورند که به چنین زیگزاکیایی توسل جستند و چنین چرخشهای تندوسریعی رانجام دهند . این سرنوشت محتوم رژیمهای سرکوبگر وارثی درمقطع اعتدالی جنبش توده ای واوجگیری مبارزات توده هااست که درسرانجام تاریخی اش به مرگ آنها منجر خواهد گردید !

بقیه از صفحه ۱۹ پای صحبت...

چه سریعتر یکسری مطلب و طرح ونمایشگاه و خلاصه هرچه که میتوانیم آماده کنیم تا فردا در مدرسه بچسبانیم . رفیق "آذر" درگرفتن مسئولیت پیشقدم شد و بخش عمده کارهارا بعهده گرفت . فردای آنروز وقتی "آذر" رابینا مطلب های تهیه شده اش دیدیم تصمیم و تحسین همه رفقا رافرا گرفت . "آذر" مطالب ونقاشی های زیبا و جالبی تهیه کرده بود اما از همه بهتر آنها این طرح بود . "آذر" برروی یک مقوای رنگی با موم بطرز بسیار زیبایی تمبریک جهانی کارگر رانوشته وطرحی درکنسار آن کشیده بود . باورمان نمیشد که به این سرعت رفیقمان توانسته باشد چنین چیزی تهیه کند . اما نکته جالبتر اینکه "آذر" ازاینکه توانسته با کارش ما را اینقدر خوشحال کند بسیار خوشحال وامیدوار شده بود . به "آذر" گفتیم "هی رفیق توهم به چیزی میشی ها؟" ...

رفیق دیگری که مدتی درارتباط بنا "آذر" بوده برروی یکی ازویژه گیمهای بسیار مثبت رفیق انگشت میگذا رداومی گوید : "آذر" دارای اتکاء بسسه نفس واحتملال فکری وایدئولوژیک سیاسی بود . باوجودیکه کوچکترین فرد خانواده نبود وباتکاء بقیه اغسیراد خانواده نیز افراد سیاسی بودند اما درانتخاب خط فکری و دیدگاههای ایدئولوژیک سیاسی اش مستقل ومتکی ب خود حرکت میکرد وهرگز از دیگران دنیا له روی نمیکرد . این ویژگی مثبت رفیق بنظر من بسیار قابل توجه بود درضمن رفیق باآنکه بدلیل مریضی مزمن اغلب مواقع مریض وناراحت بود اما برخورد فعالش به کارها ووظایفش نشان دهنده روحیه وایمان کمونیستی اوموید . همچنین رفیق دربرخورد انتقادی بسسه دیگران خیلی جدی وپیکر بود واولیادین نظر درارتقاء ایدئولوژیک خود وما را نیز رفقا بسیار میکوشید . رفیق دیگری به صحبت مینشینیم رفیق میگوید : حرفهایم راراجع بسسه "آذر" دراین شهر که آنرا بیاد رفیق نوشته ام آورده ام وبه همین خاطر شعرم رآیه شما تقدیم میکنم " ... ماهم بسا

شکراز رفیق قسمتهایی از شماورا در اینجا میآوریم :

"شهید دانشگاه"

۱۳ آبان رامیگشایم
ناگهان ... آری ناگهان چشم بسه
چهره ای آشنا میافتد
آری بازعکسی از شهیدان
عکسی از جنایات ارتجاع
تورا میبینم : "آذر"
توکه در مبارزات دانشگاه بودی
توکه در قلب کارگران وپرزگران
بودی
تورا میبینم که در صحنه بیکاربودی
تورا میبینم همان فروشنده "پیکار"
همان مبلغ "۱۳ آبان"
"آذر" توجان دادی برای فردای بهتر
برای زندگی نوین
و برای رهایی کارگران

اما
مدایت راهنوز میشتوم که میگویی :
درو د بیکارگر ...
آری نوزنده هستی
وراهت ادامه دارد ای رفیق .
با در رفیق "آذر مهرعلیان" - رفیق
"ابرج ترابی" وهمه شهدای بخشون
خفته خلق گرامی باد .

بقیه از صفحه ۸ از کتابت...

زمینه های متغیاتی خود را نشان میدهد . درهم شکستن ماشین دولتی کهن که بخشی ازوظایف پرولتاریای انقلابی است و وجود همونی پرولتاریا بردولت دموکراتیک خلق . درنتیجه امکان گذار مالمست آسیر به سوسیالیسم وعدم ضرورت انجام یک انقلاب قهرآمیز دوم درهم شکستن مجدد ماشین دولتی . برپایی شوراها و کارگران وزحمتکشان . وجود دموکراسی انقلابی درجامعه وبالنطبع رشد فوق العاده آگاهی وشکل طبقه کارگر . همچنین خلق بد از بورژوازی . حذف بسیاری از بخشهای زائد صنعت . عدم اجازه رشد مجدد به بورژوازی . وجود اقتصاد با برنامه وعدم حاکمیت هرج ومرج پرولتید و برایین حینا رفع نیازهای زحمتکشان و ... همه همه گوشه های مختلف از ستگیری سوسیالیستی دولت جمهوری دموکراتیک خلق بشمار میروند که آنرا از دولتهای دیکتاتوری بورژوازی کهن متمایز میسازد .

پای صحبت چندتن از رفقای

کمونیست شهید آذر مهرعلیان

با چندتن از دوستان و رفقای رفیق "آذر" که با او همکلاس بودند و با در ارتباط نزدیکی با او قرار داشتند بنه صحبت نشستیم. سخنان رفقای "آذر" چنان گویای روحیات کمونیستی و انقلابی او بود که بهتر دیدیم در اینجا بخشهایی از صحبتهایمان را بیاوریم:

عاشق از رفقای "آذر" که در مدرسه "عاصمی" درس میخواند صحبت میکنیم. رفیق در حالیکه یک دنیا تاسف و تأثیر از مرگ "آذر" در چهره دارد عذابش را بالا میکشد و با ملایبت خاصی میگوید:

منیدوم از کجا شروع کنم و راجع به چه چیزهایی از آذر بگویم. من دوره نسبتاً طولانی با "آذر" بودم. او نمونه یک دختر کمونیست بود. صحبت عشق او به زحمتگشان، به بچه‌های مدرسه از یکطرف و کینه عمیقش به نیروهای ارتجاعی و دشمنان خلق برای من بسک نمونه بود. مهربانی و عطف کمتسو نیستی او همه بچه‌های مدرسه را تحت تأثیر داشت تا آنجا که در مرگ "آذر" همه بچه‌های مدرسه وحشی غمگین از بچه‌های انجمن اسلامی ناراحت شدند و گریه کردند اما کینه‌اش به ارتجاع برای من ستودنی بود. روحیه سازش ناپذیری داشت چند بار به خاطر دفاع از فعالیت سیاسی در مدرسه و حقوق حق دانش‌آموزان با مدیر مدرسه دعوا کرد و با شاهان خاصیت در مقام بل عملکردهای ارتجاعی آنها ایستاد از آخرین باری که با مدیر برخورد کردی از پاره کردن مطالبی که بدیوارچسب شده بود به دعوا کرد مدت زیادی نمیگذرد. مدیر وقتی فهمید "آذر" شهید شد با وقاحت گفت: این که کشته شد همون دختر و خندان... "این حرف مدیر بسا انحراف است از حد دانش‌آموزان و روبرو

برخورد "آذر" به فالانژهای جماعتی از که در خیابان با حمله میکرد هم بسیار تعرضی بود. از دست دادن بیچاره شدن یک نشریه در جریان حمله به فالانژها "آذر" را چنان ناراحت می کرد که آدم خیال میکرد تا آخر عمر فراموش نخواهد کرد که یک نشریه‌اش پاره شده. همیشه در درگیری با فالانژها روحیه بسیار مقاوم و تعرضی داشت و هیچوقت در چهره با برخورد او ترس و عقب نشینی را نمیدیدم.

"آذر" دختر خیلی دقیقی بود و وظایف و مسئولیت‌هایی را که بعهده میگرفت بسیار خوب انجام میداد. با بهر بیگم همه تلاش را میکرد که آنها را به بهترین نحو انجام دهد.

در ضمن بنظر من "آذر" یک ویژگی خوب دیگر هم داشت و آن اینکه کم توقع اما از خود گذشته بود. هیچوقت از خودش و کارهایش تمریف نمیگردد از این نظر تواضع خاصی داشت. رفیقمان در آخر صحبتش میگوید: رانش "آذر" خیلی خلعت‌های خوب دیگه هم داشت اما من دیگه بیشتر از این نمیتوانم آنها را بزرگان بیاورم.

با رفیق دیگری که یک خاطره همیشه ماندگار از "آذر" ذهنش دارد به صحبت نشستیم. این رفیق سال قبل با "آذر" در یک مدرسه بوده‌اند. او تعرضی میکند که:

با سال روزهای نزدیک به "اول ماه مه" روز جهانی کارگر بود رفقای ما در مدارسمان بیکار در مدرسه بدلیل عدم برخورد فعال هنوز تدارکاتسی ندیده بودند. روز قبل از اول ماه مه با سایر رفقا دورهم جمع شده و ضمن انتقاد از خود مطرح کردیم که باید هر

بقیه از صفحه ۱۴ اوج نویین...

بر آتش ختم انقلابی بوده‌ها غیربزد برای "ابرا حمن نیت" مجاهدین خلق، از وزارت کشور خواستار "اجازه رسمی برای برگزاری راه پیمایی و میتینگ سراسری... در اعتراض به کشتارهای اخیر... شده است. مجاهدین خلق چنین می بیند و در رژیم می بخود دست به کشتار و سرکوبی می آسان زحمتگشان در طول ۲۷ ماه گذشته و بویژه در روزهای اخیر زده است میتواند هم "انقلابی" باشد و "اجازه رسمی" برای اعتراض به کشتارهای خود را درنماید. مجاهدین خلق با چنین اعتقالاتی تنها آب تظلم بر جنايات رژیم حاکم میریزند هر چند که در اطلاعیه‌ها و بیاناتیه‌های خود از پرورش پاسداران و ویاشان سخن گویند.

مجاهدین خلق با بدبینند چگونه بنی صدر سردمدار لیبرالها که اینقدر سنگش را به سینه میزنند زمانیکه با او جگرگیری بین جنبش اعتراضی روبرو میشود و با ذکاوت بورژوازی خود تشخیص میدهد که شمله‌های این آتش‌فروزان دامن او را نیز بگیرد در انقلاب اسلامی میگوید: "من مخالف این درگیریها هستم" و از مردم میخواهد که "در این درگیریها شرکت نکرده چرا که به نفعمان نیست". بنا بر این مجاهدین خلق با بدبینانند "لیبرالها" تا زمانی از آنها پشتیبانی علوی می کنند که فعالیت‌های انقلابیشان غریب‌ای بسبب منافع آنان و کل رژیم ترسانند و از انسان تنها نمیتوان نیروی برای عرض اندام در برابر جناح حاکم بود می گویند.

بنا بر این وظیفه انقلابیون و کمو نیستی‌هایی که به انقلاب می اندیشند و پیروزی آن را تنها در کسب قدرت سیاسی از کل رژیم حاکم میدانند باید این باشد که با در نظر داشت چنین خلعت و ویژگی (مضمون سیاسی ختمش تسوده‌ای) با کار تبلیغی و توضیحی حول جنایات و ماهیت هر دو جناح هیات حاکمه مبارزات آنها را بر علیه کل رژیم حاکم هدایت و رهبری کرده و سازماندهی نمایند.



زنده و جاوید باد یاد شهیدان خلق

اخبار مبارزات دانش آموزی



رفقای دانشجو!

برای انعکاس هرچه گسترده تر
اعمال ارتجاعی ستاد انقلاب فرهنگی
جمهوری اسلامی، در تماس نزدیکتر با
دانشگاهیین مبارز و انقلابی بطور مرتب
گزارشاتی از عملکردهای کنونی آنها در
دانشگاهها بر ایمان بفرستید!

دانش آموزان در مقابل هجوم فالتزها از کمونیستها حمایت می کنند

دیپلماتیک فاروق اعظم - ایرانشهر
شنبه ۶۰/۱/۲۹

نشریات را باره میکنند. اما چند دانش
آموز دمکرات که در محل حضور داشتند
با مشاهده جریان یک سیلی خیلی صدا دار
همراه با در درانصب یکی از فالتزها
و مشت و گدرانوش جان فالتز دیگر میکنند.
فریاد الله اکبر فالتزها بلند میشود. اما
دانش آموزان در جواب میگفتند "الله
اکبر بخوره تو کمتران" اکثریتی ها در این
دبیرستان با یکی می نداشتند و در رابطه با
مسائل مدرسه کوچکترین حرفی هم
نمی زدند.

در این روز ما و رفقای اقلیت نشریات
دیواری خود را بردیم و در مدرسه نصب
کرده بودیم. (نشریه دیواری ما بیکار دانش
آموز نام دارد) دانش آموزان با شور و
علاقه مشغول خواندن آنها بودند.
فالتزها که مثل "من از اسم الله" از آگاهی
توده ها میترسند، مانند ما رزمی بخود
می پیچیدند و دنبال فرصت مناسب برای
پاره کردن آنها بودند. با خوردن زنگ
کلاس فالتزها فرصت را غنیمت شمرده و

اخباری از جنبش انقلابی دانش آموزان

پروچون

دیپلماتیک آبیانی

روز یکشنبه ۶۰/۱/۲۰

آموز انقلابی در ادامه صحبتهاش ما هیئت
جنگ ارتجاعی و سزاینگه دانش آموزان
به اماکن مناسبی برده شوند و مدارس
مکن آوارگان تا تا همین ممکن مناسب
باشد توضیح میداد.
بعد از حدود ۲ دقیقه یکی از فالتز -
های مدرسه که به احتمال قوی پاسدار
و یا از عوامل آنها در مدرسه است با شبن
آمده و ما مشاهده حو حاکم چون نتوانست
بستهائی کاری انجام دهد رفت و بقیه
فالتزهای مدرسه را خبر کرده و به آنها
آورد تا توطئه هائی که از قبل طوسی
بقیه در صفحه ۱۷

در این روز دستنویسی منتقل از اخبار
جنگ بیکار رید دیوار را هر روز پاشین نصب
شد که توجه آوارگان این دبیرستان
را بخود جلب کرده و توده های آواره با
میدن آن بدوران جمع شده و از آن استقبال
- ل کردند. با جمع شدن آوارگان یکی
از دانش آموزان انقلابی این مدرسه در
رابطه با سیاست رژیم درقبال آوارگان
و دانش آموزان شروع به افشاکری نمود و
صحبتهای وی توسط آوارگان و دانش
آموزانی که جمع شده بودند -
استقبال و شاید قرار گرفت. این دانش

بقیه از صفحه ۲ سر مقاله...
بر علیه رژیم کمپیا عزیزند.
نشان داد که کارگران در طی این
بیکار علاوه بر رژیم حاکم با نوکران حلقه
بگوشی و روزوازی روزیوبنستهای توده ای
و اکثریتی و... نیز با بدبختند و مسوف
خود را از وجود سنگین آنان با کمزه و تمیز
گذاشتند. نشان داد که تنها با رهبری
توانای طبقه کارگر و گردان رزمنده اش
حزب کمونیست میباید که میتوانیم
جمهوری دمکراتیک خلق را برپا ما خسته
و بسوی سوسیالیسم حرکت نماشیم.
و در آنجا است که پرولتاریای ایران
تنها میتواند آزادانه عید خونین خویش
را جشن بگیرد و به حمایت از همزنجیران
در بندش برخیزد.

برای رسیدن به چنین روزی ما بسیاری
فراز و نشیبها در پیش داریم اما
مطمئن هستیم که پرولتاریای ایران
هر سال از سال پیش آبدیده تر و متشکل تر
و کوبنده تر به پیشوا چنین روزی میروند
بگذار که هر سال در چنین روزی رژیم
حاکم بر خود بلرزد. بگذار که هر سال
در چنین روزی رژیم حاکم ایزار سرکوبش
را مهیا بپند. بگذار که هر سال در چنین
روزی باد بکارد و طسوفان برود.
زنده باد اول ماه زنده باد کمونیسم!
زنده باد بیکار توده ها بر علیه رژیم
جمهوری اسلامی!

جهاد دانشگاهی، انجمنهای اسلامی و امور تربیتی مدارس باید منحل بشوند